

تکنولوژی اطلاعات و سیاست به‌مثابه متون متحول برای سیاست‌گذاری

روح الله اسلامی^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۳۰

چکیده

انسان‌ها برای رسیدن به زندگی بهتر و رام کردن محیط پیرامون، تکنولوژی‌ها را به خدمت می‌گیرند. می‌توان تاریخ زندگی بشر را براساس تحول تکنیک‌های انسانی و طبیعی مورد بررسی قرار داد. به محض تغییر تکنولوژی از صورت‌های شفاهی و دمدستی به تکنولوژی‌های مدرن و مکانیکی در همه ابعاد زندگی بشر انقلاب روی داد. در پایان قرن بیستم تکنولوژی‌های اطلاعاتی وارد زندگی انسان شد و متناسب با این تغییر گسترده انقلابی سراسری در متون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به‌وقوع پیوست. سرعت تحولات بسیار بالا بود، به‌نحوی که پژوهشگران قرن بیست و یکم را با عناوین عصر اطلاعات، دوران جوامع شبکه‌ای و پست مدرن نام‌گذاری کرده‌اند. بنابراین تلفن همراه، اینترنت، رایانه، ماهواره‌ها، سیستم‌های ارتباطی بی‌سیم، شبکه‌های اجتماعی، نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای دیجیتال، بشر قرن بیست و یکم را وارد مناسبات جدید و مدام در حال متحول وارد ساخته است. متناسب با این تحولات مفهوم، معنا، شاکله، ساختار و متن سیاست از بنیاد با دگرگونی‌های اساسی همراه بوده است. سیاست‌گذاری، بنیاد توسعه و برنامه‌ریزی یک جامعه قلمداد می‌شود که تقریباً اغلب پدیده‌های انسانی با آن گره خورده است. برای درک الزامات سیاست‌گذاری در عصر اطلاعات هیچ چاره‌ای جز در تحلیل تحول متن سیاست باقی نمی‌ماند. پژوهشگر به‌دنبال آن است تا بررسی کند کدام وجه عینی و ذهنی سیاست در عصر اطلاعات براساس کدام منطق، به سمت کدام غایت و با چه ساختاری متحول شده است. برای این منظور از الگوهای نظری تحول تکنیکی جوامع به‌خصوص ادبیات تئوریک پسامدرنیسم استفاده می‌کنیم. سیاست دارای چهار متن اصلی دولت، جنگ، شهروندی و دیپلماسی است که در این مقاله به تحول بنیادین هر یک از آنها در عصر اطلاعات پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست، عصر اطلاعات، تکنولوژی، تحول، سیاست‌گذاری.

مقدمه

انسان‌ها بدون آنکه خود بدانند تحت تأثیر تکنولوژی قرار می‌گیرند و با ورود آرام و تدریجی یا انقلابی، تکنولوژی فرهنگ، سبک زندگی، جهان زیست و همه تصورات تغییر می‌کند. تغییرات تدریجی است؛ اما به ناگاه با بررسی جامعه از بیرون می‌توان دریافت که در مجموعه آداب و رسوم، فرهنگ و اعتقادات و ارتباطات یک جامعه چه مواردی روی داده است. تکنولوژی‌های اطلاعاتی در قرن بیست‌ویکم سرعت تغییر جوامع را افزایش داده‌اند. در قرن بیست و یکم تکنولوژی‌های شبکه‌ای مانند فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوپ، وی‌چپ، وایبر و ... فراگیر شد، به‌گونه‌ای سبک زندگی شبکه‌ای در حال رواج است. به اعتقاد فرانک وبستر «جهان امروز به لحاظ تجربه کردن اطلاعات بی‌سابقه است و ما در دوره‌ای انتقالی به سر می‌بریم که در آینده به تغییرات عمیقی در زندگی‌مان ختم خواهد شد» (Webster, 2001: 1). روند تکامل کمی و کیفی رادیو و تلویزیون، ماهواره و اینترنت ... باعث شده است به عصر جدید اعداد و ارقام کامپیوتری قدم بگذاریم که از عصر صنعت‌گرایی و سرمایه‌داری دولت - ملت محور متمایز است (کاستلز، ۱۳۸۰: ج ۲: ۲۹۸). در این تکامل جهشی که «انقلاب اطلاعات» نام دارد، شاهد مهندسی خرد و کلان تحولات به‌وسیله سیستم‌های الکترونیک و اطلاعاتی هستیم. نقطه عطف این تحولات در دهه ۱۹۷۰ روی داد که با تکنولوژی حیات نیز پیوند دارد. اولین موج این اثرگذاری، روندی را شکل داد که به رواج بهره‌وری متکی به دانش و سرمایه‌داری اطلاعات محور انجامید. این روند در تکامل اطلاعاتی خویش، تبدیل به نهادها و سازمان‌هایی می‌شود که رویهم‌رفته فرهنگ جامعه شبکه‌ای را شکل می‌دهند. کاستلز از این تحول به‌مثابه حرکت از جهان گوتنبرگ به دنیای مک لوهان یاد می‌کند. در این تحول فرهنگ رسانه‌های جمعی، یعنی رسانه‌هایی با تنوع مخاطبان انبوه و ارتباطات کامپیوتری، به جهت سوق‌دهی جوامع مجازی و منظومه‌های اینترنتی به سمت فضاهای تعاملی و شکل‌گیری محیط‌های نمادین و مجازی پیش می‌رود. در این عصر آنچه که بشر فکر می‌کند، امکان می‌یابد در فضایی غیرمادی تبدیل به واقعیتی خارق‌العاده شود. این اثرگذاری نه در منطق مکانیک سه‌بعدی، بلکه در نمادهای مجازی و دال‌های موجود در ذهن آدمی شکل می‌گیرد.

عصر	عصر متافیزیک	عصر فیزیک	عصر اطلاعات
تکنولوژی	دم‌دستی ساده	مکانیکی	کوانتومی
متفکران	افلاطون - فارابی	وبر - ایستون	کاستلز - آگامبن
ساختار ذهنی	ذهن	ذهن و عین	ذهن - عین - مجاز
نتیجه فکری	جدایی	تطبیق نسبی	ارتباط
گونه‌های روایت	فلسفه، مذهب، اسطوره	علم مدرن	دانش پسامدرن
واحد سیاسی	پادشاهی امپراطوری	دولت ملی	جهانی شدن - شبکه‌ای شدن
واژگان سیاسی گونه‌های سیاست	اخلاق، تقوا، مذهب، کاریزما، عدالت، فضیلت، غایت، اشراف، استبداد، پدرسالاری، فره، اشه، ویرچو، عصمت	بوروکراسی، دموکراسی، تفکیک قوا، انتخابات، رأی، مدیریت، تفکیک مشاغل، تخصص، قانون، مجلس، شهروندی، حقوق بشر	دولت الکترونیک، انتخابات الکترونیک، دیپلماسی دیجیتالی، جامعه مدنی مجازی، شهروند خبرنگار، جنگ نرم، قدرت سازه‌ای

تکنولوژی‌های سازه‌ای	تکنولوژی بوروکراتیک	حکومت بر خود اخلاق	تکنولوژی قدرت
چندرسانه‌ای مجازی	پخشی توده‌ای	شفاهی - چاپی	رسانه‌ها
سازه‌انگاری - تفکرات انعکاسی	واقع‌گرایی - آرمان‌گرایی	جنگ خشونت اشراف	روابط بین‌الملل
دموکراسی‌های مستقیم جهانی	جمهوری‌های دموکرات	پیامبران - کاریزمایی	نمونه‌های عالی سیاست
جامعه‌کنترلی - انضباطی	فاشیسم - مارکسیسم	پدرسالاری و استبداد	نمونه‌های بحران و زوال
-	هابرماس	ماکیاول - هابز	متفکر انتقالی
شهروندان شبکه جهانی	شهروند ملی	رعیت	سوژه‌های سیاست

در مقاله حاضر با در نظر گرفتن پیامدهای تکنولوژی اطلاعات در عرصه سیاست، به بررسی امکان‌ها و فرصت‌هایی بپردازیم که تحت تأثیر این فضا به وجود می‌آید. محتوای این مقاله در بستری خوشبینانه با امکان تکنولوژی اطلاعات برای عرصه سیاست از قبیل دموکراسی دیجیتال، دولت الکترونیک، جنگ اطلاعاتی و ... شکل گرفته و بر آن است که قرار گرفتن سیاست در فضای سایبر باعث شکل‌گیری و تقویت بیشتر استانداردها و عقلانیت سیاسی مورد اجماع می‌گردد (Stevenson, 2001: 71).

استانداردهایی از قبیل دولت کارآمد در قالب حکمرانی خوب، تله دموکراسی و افزایش پتانسیل‌های جامعه مدنی و حوزه عمومی، اطلاعاتی و هویتی شدن جنگ و مباحث مربوط به دیپلماسی دیجیتال در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. چارچوب تئوریک

چارچوب تئوریک پژوهش، پسامدرنیسم است. برخی آن را نوعی هرج و مرج، بی‌ثباتی، آشوب و شورش بی‌نهایت می‌دانند. برخی همانند جیمسون آن را سرمایه‌داری پیشرفته و تکامل مدرنیته می‌دانند. برخی پسامدرنیسم را براساس رابطه‌ای ناقده با مدرنیته و عبور از آن می‌دانند. با جمع‌آوری گزاره‌های طرفداران، منتقدان و نافیان پست‌مدرنیسم می‌توان گفت پسامدرنیسم روشی است در بررسی پدیده‌های انسانی که رویکردی به شدت انتقادی و شالوده‌شکنانه دارد و با نقد مدرنیته سعی می‌کند نشان دهد که زبان، قدرت، تاریخ در ساخته شدن هویت‌ها و روایت‌ها نقش دارند. لیوتار می‌گوید پسامدرنیسم به معنای مرگ ابر روایت‌هاست و روشی جدید که در آن تنها بازی‌های زبانی معنا پیدا می‌کند. هویت‌های تکه‌تکه، گسست در روایت‌های تاریخی، ارتباط‌دادن همه ایدئولوژی‌ها به قدرت و ترسیم تاریخ بشر به صورت صورت‌بندی‌های استیلا و انقیاد همه نشان از شروع عصر پسامدرن دارد. علاوه بر روش، عصر پسامدرن نیز معنای ورود به عصری را می‌دهد که ثبات، دقت، فرمول، نظم، امنیت و شاخص‌های تجدد را به نقد می‌کشد. عصر پسامدرن با تکنولوژی‌های سایبری ارتباط مستقیم دارد. بمباران اطلاعاتی و ورود دال‌های شناور و حاکم شدن رفتار عدم قطعیت بر انسان‌ها عصر جدید را رقم زده است. عصر مدرن مکانیکی، منظم، مبتنی بر فرمول و نهادهای بوروکراتیکی بود که هر دولت ملی، شهروندان را با روایت سوسیال و

لیبرال از قرارداد اجتماعی و حقوق بشر و دموکراسی و تفکیک قوا ساماندهی می‌کرد. جهانی شدن، ظهور تکنولوژی‌های جدید، بمباران‌های رسانه‌ای، افول ابر روایت‌های مشروعیت‌بخش و ظهور فرهنگ‌های جدید عصر پسامدرن را ملموس‌تر ساخته است. اما پسامدرنیسم رویکرد بسیار خامی به قدرت دارد. مدرنیسم قدرت را در دولت ملی می‌دید و سعی داشت با قرارداد اجتماعی، تفکیک قوا، دموکراسی، مجلس، حقوق بشر، جامعه مدنی، افکار عمومی و... آن را محدود، کارآمد و مشروط سازد.

عصر اطلاعات با خود فرهنگ و جهان‌زیست جدیدی خلق کرده است که به سبک زندگی پسامدرن، اطلاعاتی یا شبکه‌ای معروف شده است. برخی از مهمترین ویژگی‌های این سبک زندگی عبارتند از: اهمیت بازنمایی: زندگی در عصر جدید فضایی جدید را یافته است که خود را به صورت بازنمایی معنا می‌کند. واقعیت مهم نیست و آنچه اهمیت دارد کیفیت و شیوه بازنمایی آن است. ارتباطات و بخش‌های واقعی به خاطر بازنمایی شکل می‌گیرد. بازنمایی چون خواب، توهم و رؤیا می‌باشد؛ اما در عصر جدید بازنمایی تبدیل به رکن اصلی زندگی شده است. گردش، تفریح، استراحت، مهمانی رفتن، اعتراض، تأسیس کردن و... مهم نیست، بلکه شیوه بازنمایی آنها مهم است. انسان‌ها تبدیل به دوربینی شده‌اند که تصویر را از واقعیت‌ها بیشتر دوست دارند.

برتری لذت: هیچ امر بدون لذتی پابرجا نیست. در عصر جدید موسیقی، متن، صدا، تصویر و هرگونه بازنمایی باید با تولید لذت همراه باشد. اعتقاد به ناپایداری بودن و سرعت بیش از اندازه در زندگی به سمتی می‌رود که انسان‌ها را تبدیل به خوانندگان، مشاهده‌کنندگان و کنش‌گرانی می‌کند که مشتاقانه جستجوگر لذت‌اند. لذت هرگونه مفهوم و معنای عمیق را به حاشیه می‌کشد. باید همه متن‌ها صورت لذت آنی را داشته باشند تا مخاطب جذب کنند.

روزمرگی: گذشته و آینده هر دو در فضای مجازی و سبک زندگی پسامدرن شبکه‌ای به حاشیه می‌روند. نوستالژی و احساس تقدس‌وار به گذشته به نقد کشیده می‌شود و گذشته و سنت تبدیل به موزه‌ای لذت‌انگیز می‌گردد. آینده به صورت غایت‌های برنامه‌ریزی شده به هم می‌ریزد و آنچه اهمیت دارد اکنون است. حال‌محوری و اعتقاد به گذراندن وقت به بهترین شکل در زمان حال روزمرگی را ایجاد می‌کند. فرهنگ شبکه‌ای روزمره می‌باشد و از عمق متنی و غایت آینده‌گرا و یا برنامه‌ریزی برخوردار نیست.

عدم قطعیت: نوسان، سیاسی بودن و پیش‌بینی ناپذیری ویژگی فرهنگ و سبک زندگی شبکه‌ای می‌باشد. انسان‌ها دوستدار آزادی ناشی از پیش‌بینی ناپذیری و خلق رویدادها و رخدادهای خارق‌العاده می‌شوند. هر چند کنش خارق‌العاده بیشتر بازنمایی است؛ اما زیستن و عادت انسان‌ها به زندگی در متن مجازی آنها را بسیار غیرقابل پیش‌بینی می‌کند. هویت‌هایی که چندان وابستگی به متن‌ها ندارند و هر امری قابل روی دادن است.

فردانیت‌های مجازی: انسان‌ها از محله، قوم، خانواده، ملیت و... جدا می‌شوند. این جدا شدن آنها را به عرصه مجازی و هویت‌های شناور وارد می‌کند. فردانیت ویژگی عصر جدید است، به نحوی که این فردانیت با مدرنیته تفاوت دارد. جهان زیست فردانیت جدید مجازی است و انسان‌ها در فضای توهمی و خواب آلود

شبکه‌های اجتماعی در حال تولید معنا و زندگی می‌باشند. انسان‌ها در واقعیت تنها می‌شوند و فرایندهای ارتباطی و کنش‌های تعاملی آنها در محیط خانواده و اجتماعی واقعی به حداقل خود می‌رسد.

متن‌های متکثر سیال: سبک زندگی پسامدرن شبکه‌ای انسان‌ها را تبدیل به هویت‌هایی می‌کند که حتی جنسیت، قومیت، مذهب، ملیت و در پاره‌ای مواقع انسانیت هم برای آنها بی‌معنا می‌شود. انسان‌های فردگرایی مجازی که دارای پارادایم‌های غیرقابل مقایسه‌ای شده‌اند کنش در واقعیت و استدلال در عقلانیت را مورد نقد قرار می‌دهند. اصل لذت بر روالی غیرقطعی فرایندها را شکل می‌دهد. متن‌ها بر بی‌نهایت بازی خلق می‌شوند، که به‌شدت متکثروسیال هستند و انسان‌های عصر جدید یاد دارند که در هر کدام بر منطق آنها گردش کنند تا روزمره‌شان سپری شود.

تحلیل قدرت در عصر پسامدرن را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

قدرت، زندگی است: به این معنا مانند مدرنیست‌ها نباشید که فکر کنید اگر قدرت دولت را داشته باشید هر چه بخواهید می‌توانید انجام دهید. بزرگترین دستاورد پسامدرنیسم در مورد قدرت این است که قدرت در سطوح زندگی بشر پخش شده است. نمی‌توان قدرت را در لویتان دولت دید و نمی‌توان باور داشت که با به دست گرفتن آن می‌توان بهشت خلق کرد. قدرت در همه جا وجود دارد.

قدرت، مقاومت هم دارد: پسامدرن‌ها بر این باورند که قدرت در زندگی وجود دارد. نمی‌توان آن را حذف کرد و حتی در علمی‌ترین پژوهش‌ها نیز قدرت نقش دارد. از سوی دیگر قدرت فقط استیلا و انقیاد نیست. قدرت به همراه خودآزادی، اخلاق، هنجار و سازندگی را نیز به‌دنبال دارد. هر کجا که قدرت فضا را می‌بندد از سوی دیگر راه‌هایی را باز می‌کند. مهم دیدن بدیهیات و به چالش کشیدن ناخودآگاه ایدئولوژیک شده، است.

قدرت‌زیستی: قدرت جدید، پیوند بسیار زیادی با علوم جدید دارد. روان‌شناسی، علوم اجتماعی، اقتصاد و به‌خصوص علوم پزشکی و روان‌کاوی همه به‌دنبال ایجاد نگره‌های سلطه‌آمیز هستند. قدرت جدید را باید در ارتباط با کنترل جمعیت، بهسازی ژنتیک، رام‌سازی انسان‌ها و پیوند دانش‌های جسمی و روانی یعنی همان تکنیک‌های اعمال قدرت بر ذهن و جسم فهم کرد. حکومت‌مندی جدید همان استیلائی قرون وسطی و اعتراف‌گیری را به همراه دارد.

قدرت شبانی لیبرالیسم: وظیفه قدرت در سامان‌دهی امر عمومی تنها امنیت و ایجاد نظم در جامعه نیست. پسامدرنیسم بر این باور است که یکی از بزرگ‌ترین اهداف هم روایت ایدئولوژیک ایجاد سلطه و انقیاد جهانشمول است. لیبرالیسم نیز به‌دنبال هدایت و گسترش گزاره‌های خود در سطح جهان است. لیبرالیسم اصلاً بی‌طرف، عقلانی و استاندارد نیست، بلکه همانند سایر ایدئولوژی‌ها قدرت شبانی و هدایتی دارد.

قدرت سراسربین: در نهایت پسامدرنیسم اعتقاد دارد عصر جدید قدرت کنترلی و انضباطی دارد که در سراسر کره زمین انسان‌ها را احاطه کرده است. جامعه طاعون‌زده و تقسیم‌شده‌ای که همه انسان‌ها هم حاکم و هم محکوم‌اند. به‌خصوص در عصر اطلاعات که انسان‌ها در مدارهای دیجیتالی قرار گرفته‌اند. هیچ عرصه خصوصی وجود ندارد و همه افکار، عقاید، نوشته‌ها، درآمد، هزینه، مکالمات و حضور انسانی در

همه صحنه‌ها ثبت و ضبط می‌شود. قدرتی که خود را در این گزاره نشان می‌دهد؛ این مکان مجهز به دوربین مدار بسته است.

۲. تکنولوژی‌های اطلاعاتی

تکنیک، عرصه عملی، فنی و توانایی دم دست بشر متفاوت از عقلانیت نظری است (رک: خالقی، ۱۳۸۲: ۲۱۸). هزیود شاعر یونانی در حدود هشتصد سال قبل از میلاد رساله‌ای نوشت به نام «کارها و روزها»، در آن بر وجه فنی و مهارتی این گونه از عقلانیت تأکید کرد (بل، ۱۳۸۲: ۱۳). این عقلانیت در قالب ساختن چیزها به منظور بکارگیری و با نگاه فایده‌گرانه و ابزاری، همواره زندگی روزمره انسان‌ها را سامان داده است (همان، ۱۴). تکنولوژی به‌عنوان دانش این تکنیک به بررسی این حوزه از توانایی آدمی می‌پردازد. تکنولوژی در جامعه پیشا صنعتی در قالب ابزارهای ساده دستی، اهرم‌ها، چرخ‌ها و ... نمود پیدا کرد. اختراعات و اکتشافات دوره مدرن در قالب تکنولوژی بخار و برق نیرو را از عضلات آدمی به درون خود ماشین و ابزار انتقال داد. تکنولوژی مدام پیشرفت کرد تا جایی که انسان‌ها در انتهای قرن بیستم با استفاده از سامانه‌های مخابراتی و الکترونیکی وارد عصر اطلاعات و پیدایش تکنولوژی اطلاعات شدند. تکنولوژی اطلاعات خود را به‌صورت فضای سایبر در قالب ماهواره، کامپیوتر و رسانه‌های دانش‌محور رمزی و نمادین دیجیتالی نشان داد. دانیل بل ویژگی‌های این عصر را در قالب یازده اصل این گونه معرفی می‌کند: مرکزیت یافتن دانش نظری، آفرینش نوعی فناوری جدید فکری، گسترش طبقه علمی، تغییر از کالاها به خدمات، تغییر در خصلت کار به‌صورت انسانی شدن کار، تبدیل شدن علم به آرمان ذهنی، پایگاه‌های علمی فناورانه، اداری، فرهنگی، نهادی و ارتش به‌مثابه واحدهای سیاسی، شایسته‌سالاری بر اساس تعلیم و تربیت مهارت، پایان کیمیایی به‌جز کیمیایی مربوط به اطلاعات و زمان و اقتصاد اطلاعاتی (بل، ۱۳۸۵: ۴۴۷).

تکنولوژی اطلاعات توان آدمی را در غلبه کردن بر محدودیت‌های مکانی و زمانی بالا می‌برد. در تحلیل مکان، کاستلز اعتقاد دارد که ما از فضاهای قدیمی ایستای یکنواخت با هویت ثابت و کارویژه تک بعدی خارج شده و به فضای جریان‌ها وارد شده‌ایم (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۷۵-۴۸۳) که در آن با بیرون آمدن از نقش‌های معماری ریاضی هندسی خسته‌کننده مدرن، نوعی نوسان، هویت سیال، بی‌قراری، چندبعدی بودن و ... که ارتباط بسیاری با منطق کوانتوم و عقلانیت پسامدرن دارد را شکل داده‌ایم. در این مورد او مثالی از دهه ۱۹۶۰ و از کوچه‌های تنگ شهرهای فرانسه می‌گوید که جو آرمان‌های آخرالزمانی مارکسیستی آلتوسری داشتند؛ اما اکنون پوچ‌گرایی سیالی بر آنها حاکم است که نوعی فضا‌مندی بی‌آرمان به‌شمار می‌رود (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۸۹-۴۹۴).

در مورد زمان نیز کاستلز با فرا رفتن از زمان علمی مکانیکی نیوتنی، بحث‌های جذاب و پیچیده اسپینوزا و هایدگر را - که زمان را انعطاف‌پذیر و فشرده می‌دانند - مطرح می‌کند و می‌گوید: افق این عصر به سمتی می‌رود که نوعی بی‌نظمی اجتماعی را شکل می‌دهد، بی‌نظمی که در آن نوعی انکار مرگ را نشانه می‌رود، نمود این مرز بی‌نهایت باورناپذیر است. در تک‌گویی فلسفی کاستلز چنین آمده است که «ما و

جامعه‌مان، زمان مجسم‌ایم و ساخته تاریخ» (همان، ۴۹۸). این وضعیت به مسلط شدن متن‌های متکثری انجامیده که آشفتگی و نظم را در ابهام رفت و برگشتی قرار می‌دهد؛ «زمان‌بندی مسلط وقتی ایجاد می‌شود که ویژگی‌های یک متن به‌خصوص یعنی پارادایم اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای به ایجاد آشفتگی در توالی پدیده‌هایی بینجامد که در آن متن اجرا می‌شود (همان، ۵۳).

روزنا نیز در این مورد می‌گوید: فناوری الکترونیکی جدید منجر به بزرگترین بمباران مطالب دیداری و شنیداری شده است که بشر در طول تاریخ خود تجربه کرده است. این فناوری، رویدادهای کل جهان را به سرعت در معرض توجه هر مخاطبی قرار داده است (روزنا، ۱۳۸۳: ۴۵۴). مرحله اول این تکنولوژی، الکترونیکی، رسانه‌ای، تصویری و اطلاعاتی بود. ویژگی این مرحله، ملی‌گرایی، خاص‌گرایی، هزینه بالا و شیوع بسیار محدود، آن هم به‌صورت تک صدایی در اشکال ساده بود. مرحله دوم که بیشتر مد نظر این نوشتار است، بعد از تکامل مرحله اول، با آغاز دهه ۱۹۷۰ و شبکه‌های ماهواره‌ای جهانی اینتل‌ست^۱ است که از یک شبکه نوپا به شبکه‌ای تبدیل شد که در اکثر کشورها قابل دسترسی بود. در ابتدای این دهه، ۲۴ کشور دارای ایستگاه زمینی بودند؛ اما در پایان آن ۱۳۵ کشور از این خدمات بهره گرفتند (همان: ۴۵۴). تکنولوژی اطلاعات با وارد شدن کامپیوتر، انقلاب جهانی ارتباطات و پیدایش و گسترش بی‌سابقه اینترنت در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. تکنولوژی اطلاعات با امکانات مدام در حال پیشرفت خود، جهان دورافتاده، ناآگاه و مرزدار انسانها در تمام کره زمین را تبدیل به دهکده‌ای جهانی کرد. این انقلاب تکنولوژیک اطلاعاتی به سایر حوزه‌ها نیز کشیده شد. برای مثال می‌توان به جهش خارق‌العاده و عجیب علوم زیستی و ژنتیکی اشاره کرد که تکامل آن در کنار تکنولوژی اطلاعات و یاری رساندنشان به یکدیگر، هم از جهت توانایی پوزیتیویستی به بشر برای تحلیل وقایع انسانی و طبیعی در تحلیل‌های سیستمی پیشرفته و هم از جهت استفاده از هوش مصنوعی (که جای انسان را نمی‌گیرد بلکه توانایی او را تکمیل می‌کند) مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان: ۴۴۱) از این جهت است که اکنون افق‌های جدید ابزاری و امکاناتی، از حد فرصت و توانایی بالقوه فراتر رفته‌اند و خود زندگی، جهان زیست و تمام عرصه و دغدغه انسان‌ها را در بر گرفته‌اند. اهمیت تکنولوژی اطلاعات زمانی برجسته می‌شود که بدانیم قبل از تکنولوژی اطلاعات در قرن هجدهم هر ۵۰ سال، اختراعات به دو برابر می‌رسید. این فرایند در ۱۹۵۰ به هر ۱۰ سال رسید؛ اما از ۱۹۷۰ به هر ۵ سال رسید (بیات، ۱۳۸۵: ۷). مدرنیته در اواخر قرن بیستم رویه‌ای انفجاری به‌خود گرفت، به نحوی که ۹۰ درصد از اختراعات بشر در نیم قرن گذشته شکل گرفته است. هینز در این زمینه می‌گوید: «تکنولوژی نیرویی است باعث تغییر». او در آغاز هزاره سوم تکنولوژی‌هایی را که تعریف جدیدی از روابط اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها ارائه می‌دهند، چنین دسته‌بندی می‌کند: برنامه‌های جدید کامپیوتری که فرصت طلایی و غیرقابل‌تصور برای شرکت‌ها، نهادها و دولت‌ها به همراه می‌آورد.

سیستم‌های ماهواره‌ای مانند ناباستار (مجموعه ۲۴ ماهواره که موقیت‌های مکانی جهان را نشان می‌دهند) تیروس (علم شناخت فضاها یا ناشناخته) اسکای نت برای ارتباطات زیردریایی‌ها، شبکه ایریدیم با ۶۶ ماهواره و شبکه ماهواره‌ای تله دسیک با ۸۴۰ ماهواره که تماماً برای پیش‌بینی‌های ماهواره‌ای به کار می‌رود؛

اینترنت و مخابرات فضایی به همراه افزایش کاربری از طریق فیبر نوری، اطلاعات سلولی دیجیتال شبکه‌های برتر کامپیوتری، سیستم‌های ارتباط شخصی کامپیوتری، تابلوهای شبکه‌ای اینترنت و اینترنت همین طور تلفن‌های همراه، پست الکترونیک و ویدئو کنفرانس در این مسیر قرار دارند. در آخر تکنولوژی‌های بیوتکنولوژی و دستیابی به بخش ژن‌ها که می‌تواند تغییرات گسترده‌ای را در دانش، سلامت انسان‌ها و تولیدات گوناگون نوید دهد (هینز، ۱۳۸۷: ۷ - ۸).

عصر	متافیزیک	فیزیک	اطلاعات
ذهنیت بیرونی	فلسفه، اسطوره، مذهب	مکانیک	کواتوم
عینیت سیاسی	کیفیات رهبری، اندرزنامه	پوروکراسی، میانه	کمی، سازه‌ای، هوشمند

۳. مفهوم سیاست

تولد علم سیاست همراه با مطالعه دولت و رفتار سیاسی آن بود (عالم، ۱۳۷۳: ۲۲ - ۳۱) و موضوعاتی همچون مشروعیت دولت‌ها و حاکمیت ملی آنها در قالب قرارداد اجتماعی، خلق قدرت جدید لویاتانی را محور قرارداد (های، ۱۳۸۶: ۲۷۷). با عبور از رنسانس، انقلاب صنعتی، جنگ‌های جهانی و شکل‌گیری افکار فراملی و رسیدن به حد انفجاری آن یعنی انقلاب تکنولوژی اطلاعات، مطالعه قدرت و سیاست نیز دیگر تنها در بند دولت و رفتار آن نیست. «در مباحث قدیم هنگامی که از قدرت صحبت می‌شود، شنونده بی‌درنگ ساختار سیاسی یا حکومت یا طبقه حاکم در مقابل برده و شبیه به این موارد را به ذهن می‌آورد؛ اما این به هیچ‌وجه تنها شکل قدرت نیست؛ قدرت در تمام روابط انسانی وجود دارد. خواه این رابطه با زبان برقرار شود، خواه رابطه عاشقانه باشد و خواه رابطه اقتصادی. در همه این روابط، یک طرف می‌کوشد طرف دیگر را مهار کند و زیر فرمان بگیرد» (حقیقی، ۱۳۸۰: ۲۲۸-۲۲۹).

با تردید در بسیاری از مبانی تجدد و زیر سؤال رفتن استانداردها و توافقاتی‌های عقلانیت سیاسی، تعریف اینکه چه چیزی در حیطه امر سیاسی قرار می‌گیرد کار دشواری است. امروزه با مخدوش شدن حوزه‌های علوم سیاسی و فلسفه، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و ... قلمرو سیاست از زبان تا جنسیت و حتی اخلاق و حکمرانی بر خود را نیز در بر می‌گیرد. کیت نش در مقاله‌ای با عنوان «مباحثه‌ای در مورد قدرت - جامعه‌شناسی سیاسی در عصر اطلاعات» می‌نویسد: کاستلز در تحلیل عصر اطلاعات با برگرفتن اندیشه‌های آلن تورن و دانیل بل نتوانسته است بحث قدرت را به‌طور کامل تحت پوشش قرار دهد. او

برای این منظور یعنی طرح جانشین‌سازی دولت - ملت، از مدل تحلیل فوکو یعنی نوعی سیاست فرهنگی بهره می‌گیرد (Nash, 2001: 81).

اما این مقاله همچنان به اصول کلاسیک پایبند است و بیشتر چهره ملموس و واقعی امر سیاسی را مد نظر دارد و با این رویکرد به تفسیر مفهوم قدرت در داخل و خارج از مرزهای دولت - ملت‌ها می‌پردازد. برای این منظور لازم است چهار وجه سیاست را که در این نوشته مدنظر می‌باشد، مشخص کنیم: تکیه بر وجه قدرت و منافع ملی در سطح دولت‌ها برای صیانت دولت‌های سرزمینی. این حوزه خشک و کاملاً عریان عرصه سیاست، خود را در قالب جنگ معنا می‌کند. جنگ رابطه رودرروی واحدهای سیاسی است که در آن عقلانیت به محاسبه‌گرایانه‌ترین وجه به صحنه می‌آید. دفاع و حفظ بقای دولت - ملت‌ها به‌عنوان غالب‌ترین بازیگران عرصه بین‌المللی، مؤلفه اساسی در امر سیاسی محسوب می‌شود. حال پرسش این است که جنگ در پی ورود تکنولوژی اطلاعات به چه صورتی در خواهد آمد؟

امرار معاش ساکنان داخل مرزها و مدیریت مطلوب منابع و توزیع قدرت و ثروت و ارزش، بحث دولت را به میان می‌کشد. سیاست در وجه داخلی گونه‌ای از اداره امور شهروندان است که به‌واسطه وزارتخانه‌ها، اداره‌ها و در کل نهادهای بوروکراتیک اعمال می‌شود. در مقاله حاضر به پیامدها و وجوه کارآمد و مطلوب تکنولوژی اطلاعات بر ساختار دولت در قالب دولت الکترونیک و حکمرانی خوب پرداخته می‌شود. فضای آرمانی - انتقادی و وجه نظارت‌گری که در فضای عمومی (در شکل پیشرفته آن یعنی جامعه مدنی) وجود دارد. وجه دیگر تحلیل ما را در بر خواهد داشت. کنترل و پاسخگو کردن فضای رسمی قدرت، نظارت و محدود کردن آن بر عهده احزاب، رسانه‌ها، مطبوعات و نهادهای مدنی است. آنچه به‌عنوان دموکراسی و جامعه مدنی و همچنین جنبش‌های جدید شناخته می‌شود در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت و تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر آنها سنجیده خواهد شد. رابطه رسمی و غیررسمی میان دولت - ملت‌ها، وجه آخر نمود سیاست را در این مقاله در بر خواهد گرفت. روابط رسمی همچون گونه‌های اشرافی و آدابی به همراه آداب دیپلماتیک و رویه‌های بوروکراتیک نوشته شده در قالب حقوق بین‌الملل، غیررسمی و نانوشته در قالب عرف بین‌الملل، وجهی اساسی و غیرقابل انکار از نمودهای سیاست است. در این مورد تأثیرگذاری تکنولوژی اطلاعات بر دیپلماسی و گونه‌های قدرت نرم و دیپلماسی مجازی را بررسی خواهیم کرد.

۴. ادبیات تکنولوژی اطلاعات در متن سیاست

بنیان فلسفی تکنولوژی اطلاعات ریشه در مدرنیته دارد. مدرنیته نگاهی انسان‌گرا و سوژه‌محور در جهت استیلا بر طبیعت و کل وجوه ناخود آگاه زندگی بشر دارد. تبار این تفکر خوش‌بینانه و اختیارگرا را شاید بتوان به دکارت رساند. او دل‌بسته یقین ریاضیات بود و می‌خواست با استدلال‌های شبیه هندسه تحلیلی، بر شک دستوری که مبنای تفکر خویش قرار داده بود فائق آید (دکارت، ۱۳۸۱: ۱۸۲). او اساس مدرنیته فلسفی را در دو سویه‌گی سوژه‌گرایی آگوستینی و ابژه‌گرایی گالیله‌ای قرار داد (ماتیوز، ۱۳۷۸: ۱۴)؛ تا این

نوسان شکاک، انقلابی، انسان‌گرا با وجهی یقینی و با محوریت استاندارد عقلانیت ریاضی‌گونه پایه‌گذاری شود (مجتهدی، ۱۳۸۵: ۱۹۴). این بنای بی‌سابقه در تاریخ بشری با سمت و سو دادن به بعد تجربی خویش، به نفی بت‌های خرافی رسید (فروغی، ۱۳۸۱: ۱۲۳ - ۱۲۵) که توسط فرانسویس بیکن شرح داده می‌شد. بیکن کتابخانه خویش را نه علوم تلنبار شده دگم قرون وسطایی، که اجساد عریان قابل مشاهده‌ای قرار می‌داد که می‌بایست به روش استقرایی و تجربی معرفتی را شکل دهد که بی‌طرف، علمی و غیرشخصی است و دست هیچ پادشاه و دزد و کشیشی به آن نمی‌رسد (رک: هورکهایمر و آدورنو، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۱). در واقع الگوی حاکم بر ذهنیت بیکن ایجاد کردن قدرتمندی انسان بر تجربه‌ای بود که می‌بایست با شناخت قوانین طبیعت و حتی رفتار آدمی همه چیز را تحت کنترل و سیطره خود درآورد. از همین جا بود که آرمان شهرهای زمینی، جاودانگی و خدایی شدن انسان شکل گرفت. یکی دیگر از اثرگذاران مدرنیته کندرسه است که در دایرة المعارف فهم بشری خود سعی کرد به دور از مذهب، فلسفه و خرافات طرحی از توانایی و دانایی انسان بریزد که بتواند جهان بیرون خود را بشناسد و این همان کارگزار شدن انسان و شورش علیه تاریخی بود که خود را در انقلاب فرانسه نشان داد. میراث کانت که روشنگری را بلوغ آدمی و روی پای ایستادن او قلمداد می‌کرد، اینجا معنا پیدا کرد. با ارجاع به همین نقطه است که لیوتار مشروعیت بازی زبانی دانش جدید را در دو بعد سیاسی ناپلئون و فلسفی هگل می‌داند (لیوتار، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

در یک نگاه کلی و خلاصه می‌توان اصول مدرنیته را چنین بیان کرد: حاکم کردن عقلانیت سراسری بنتهامی بر کل زندگی و هستی (سلدن، ۱۳۸۴: ۲۴)، تحت سلطه و سیطره درآوردن نیروهای شر و کنترل آنچه خارج از اراده آدمی است، افزایش شادی و ایجاد بهشت زمینی، انسانی جاودان و بدون مرگ. تکنولوژی اطلاعات با این رویکرد در آغاز به‌صورت ابزار یاری دهنده مدرنیته در آمد. در پرتو مباحث منطقی ریاضی‌گونه و دستگاه‌های یاری دهنده قدرت محاسباتی و برنامه‌ریزی، که تصمیم‌گیری انسان‌ها را به‌وسیله پارانه و داده‌های تحلیل شده اطلاعاتی و آزمایش شده با درصد ناچیز خطای احتمالی همراهی می‌کند، مباحث سیستم‌های مبتنی بر دانش^۱ و هوش مصنوعی^۲ شکل گرفت. هوش مصنوعی حوزه مطالعاتی ایجاد سیستم‌هایی است که تنها افراد هوشمند از عهده آن بر می‌آیند (همان، ۲۷). منطق هوش مصنوعی نوعی الگوریتم مرحله به مرحله برای رسیدن به جواب است که سیستم خیره به‌عنوان تقلیدی از افراد خیره و کمک گرفتن از پارانه و علوم ارتباطات به‌عنوان شاخه‌ای از آن محسوب می‌شود. طرح‌های آمایشی مبتنی بر سودمحوری محض در جستجوی فضای وضعیت^۳ علاوه بر محاسبات ریاضی، از سال ۱۹۶۵ به سمت تشخیص بیماری‌های عفونی، کشف و شناسایی منابع طبیعی و معدنی و برنامه‌ریزی‌های جغرافیایی حرکت کرد (الهی، ۱۳۸۲: ۵). آغاز پاگیری این سیستم‌های هوشمند در

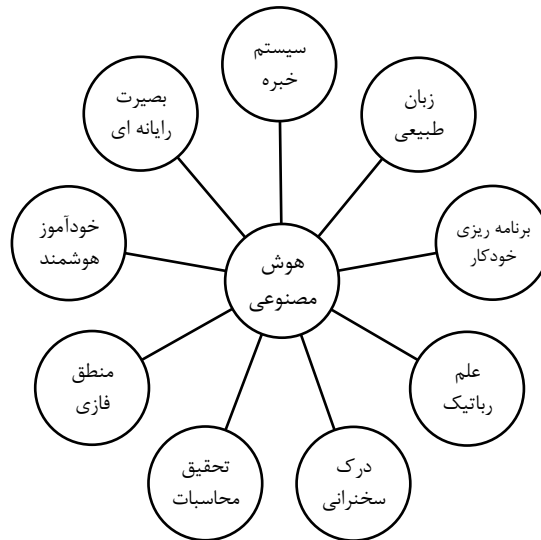
^۱. Knowledge-Based-System

^۲. Artificial Intelligence

^۳. State Space Search

فعالیت‌های تجاری نیز به ۱۹۷۰ برمی‌گردد که در همین زمان از مصرف انرژی گرفته تا جنگ، سفرهای فضایی و ... را در برمی‌گرفت (همان، ۱۱۳)، امریکا، انگلیس و ژاپن در این تکنولوژی سرآمد بودند.

نمودار-۱. فرایند هوش مصنوعی اولیه



به طور کلی فرایند هوش مصنوعی اولیه خود را در این شاخص‌ها تعریف می‌کند: افزایش دائم دانش، تجربه و بهره‌وری به‌صورت کمی و کیفی، ایجاد الگوهایی براساس کاهش احتمالات خطا و ایجاد نوع آرمانی به‌صورت حل مشکل کمبود متخصص، ورود به محیط‌های خطرناک به‌صورت تصمیم‌گیری‌های سریع و استراتژیک، شناخت و برآورد تجهیزات، امکان‌ها، برنامه‌ریزی و آمایش درست سرزمین، برآورد هزینه‌ها، بازخوردها و ارائه الگوهای جایگزین که بر تمام این فرایند آموزش، رقابت و انتقال تجربه وجود دارد.

سامانه هوشمند مدیریتی اطلاعاتی هرچه به پایان قرن بیست نزدیک گردید از حالت ابزاری خارج و به جزء جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره تبدیل شد و این در حالی بود که آغاز عصر اطلاعات یعنی اواخر قرن بیستم به شکل‌گیری عرصه‌ای انجامید که بسیاری از نظریات فلسفی توانایی تحلیل آن را از دست دادند. مباحث فلسفه علم در بهترین حالت توسط کارل پوپر پیش می‌رفت که اصل ابطال‌پذیری‌اش را به‌راحتی در برابر اثبات‌گرایی قرار می‌داد (پوپر، ۱۳۸۴: ۳۴۷) و افتخار می‌کرد که حلقه وین را کشته است (خرم‌شاهی، ۱۳۸۲: ۱۰۳). او درحالی که با سوار شدن بر میراث فرانسیس بیکن پیش می‌رفت، حتی جرأت نگاه کردن به تلویزیون را هم نداشت، چرا که وسایل ارتباطی جدید، دنیای فلسفی امنیت‌وار او را آشفته می‌کردند. از طرف دیگر مباحث عقلانیت توسط یورگن هابرماس مطرح می‌شد که به تعبیر کاستلز نظریه کنش وی برای خروج از بن‌بست‌های قفس آهنین وبری، بدون توجه به امکانات جدید عصر

اطلاعات، امری ناممکن است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۳). هابرماس با زبانی توهمی به جنگ پسامدرن‌ها می‌رفت، در حالی که بازی‌های زبانی آنان را می‌پذیرفت، اندرزگویانه و هنجاری تنها بر عقلانیتی که خود آن را تضعیف کرده بود، به وجهی شهودی پا می‌فشرد. بنیاد مشروعیت تکنولوژی اطلاعات در وضعیت جدید با سرعتی شگفت‌انگیز خود را در حوزه عملی به صورتی بدیهی نشان می‌داد. برای مثال تکنولوژی اطلاعات، بحث مهندسی ژنتیک در کشف جرم را از راه شناخت مجرم به وسیله سامانه‌های دقیق نمونه‌برداری علمی از بدن، خون، آب دهان، ته سیگار و ... انجام می‌داد (بیواتیک، ۱۳۸۳: ۱۴۸). به گونه‌ای که جایی برای کشف و شهود قاضی باقی نمی‌گذاشت (همان، ۱۵۱) چه برسد به دغدغه‌های هابرماس همچون تعامل نمادین و کنش ارتباطی و عقلانیت انتقادی بین‌الذهانی. دستاوردهای علمی به صورت عملی، نظریه‌های وجودی، پدیداری، هرمنوتیک و پساساختگرایی را زیر سؤال برد و به گفته کارناپ نشان داد که متافیزیک‌های غیر علمی چیزی جز چرندیات و وراچی‌های غیر زبانی نیست (کارناپ، ۱۳۸۲: ۳۹). به اعتقاد اینان هرکس از هستن، بودن، شدن و گزاره‌های گنگ، نامفهوم و پر ابهام در کلامش استفاده کند، قصدش در همان ابتدا به حوزه متافیزیک مهمل جای خواهد گرفت (همان، ۴۰). چرا که عرصه کیفی تحلیل‌های زبان بدون منطق تجربی و روش علمی مانند هگل، هایدگر، برگسون، نیچه و ... چیزی جز نامگذاری کودکانه، اساطیری و شاعرانه نیست که نوعی واکنش طبیعی عاطفی بشر به محیطش است و حوزه‌های ادب، شعر، علم و فلسفه را به هم ریخته‌اند (همان، ۴۸). اینجا مناسب است در بسط این فضا، گفته مایکل لسناف را بیاوریم که در اندیشه سیاسی قرن بیستم با محوریت لیبرالیسم از کسانی چون سارتر، مرلوپنتی، آلتوسر، فوکو، رورتی، دریدا و ... بحث نمی‌کند و می‌گوید: اینان یا سخن پرمغزی در مورد سیاست نگفته‌اند و یا اگر گفته‌اند قابل فهم نیست (لسناف، ۱۳۷۸: ۱۲). بازگشت علم و فراگیر شدن آن در این عصر، دیگر فقط در قالب کتاب، کاغذ و ماشین چاپ یعنی عصر گوتنبرگ نبود که با صنعتی شدن و ملی‌گرایی پیوند بخورد، بلکه عصر بیوتکنولوژی همان‌طور که مک لوهان می‌گوید: «با عبور از جامعه صنعتی و کاهش دخالت دولت - ملت‌ها امکان گسترش نظام عصبی را در جهان فراهم می‌کند» (ریفگین، ۱۳۸۲: ۳۰۵). اکنون واژگان الکترونیکی برخلاف حروف چاپی فضایی اشغال نمی‌کنند و برعکس برای خود فضایی بی‌حد و مرز، بی‌پایان و منسجم را شکل داده‌اند. عصر اطلاعات، عصر تحقق آرمان‌ها و دستیابی به قدرت خارق‌العاده است که بلافاصله زبان را تبدیل به واقعیت می‌کند. در سال ۱۹۵۳ تنها هفت سال پس از آنکه مهندسين در دانشگاه پنسیلوانیا واقع در فیلادلفیا از کامپیوتر برای تحلیل داده‌هایشان استفاده کردند، جیمز واتسن و فرانسیس کریک اعلام کردند که مارپیچ دوگانه DNA را کشف کرده‌اند و رموز دنیای زیست‌شناسی را گشوده‌اند (همان، ۳۰۸).

با روی آوردن به تکنولوژی اطلاعات، تحلیل‌های سیستمی ماهیتی سبیرنتیک به‌خود گرفت. سبیرنتیک از واژه یونانی^۱ به معنای سکان‌دار گرفته شده است. سبیرنتیک نظریه‌ای عمومی است که تلاش می‌کند شیوه‌ای را که پدیده‌ها برای حفظ خود به کار می‌گیرند مورد استفاده قرار دهد. برای این منظور فعالیت را

^۱. Kybernetes

به دو جز اصلی سازنده یعنی اطلاعات و بازخورد تقسیم می‌کند و مدعی است که همه فرایندها را می‌توان به‌عنوان ترکیبی از این دو درک کرد. واینر در این مورد می‌گوید: روند دریافت اطلاعات و استفاده از اطلاعات در واقع روند تطبیق یافتن ما با امکانات محیط خارجی و تطبیق حیات ما به‌نحوی مؤثر در چارچوب محیط زیست است (همان، ۳۰۹). این فرایند فوق‌العاده علمی و ریاضی‌گونه، به ترموستات خودتنظیم‌گر با بازخوردهای خاص نیز تشبیه شده است. همین نگرش باعث شده است که عملاً هر فعالیت مهمی در جامعه امروز، تحت کنترل اصول سبیرنتیک صورت گیرد و این روش نه تنها یک ابزار، بلکه نگاهی است که فرهنگ تکنولوژیکی را شکل داده و حلقه فرایندهای قابل کنترل را گسترش داده است. اعتماد فزاینده به کامپیوترها، تفسیر نهادینه کردن اصول سبیرنتیک به‌عنوان الگوی مرکزی سازماندهی آینده را شکل داده است. سیستم‌های خیره با دست یافتن به این امکانات جدید از روش پدیدارشناسی و بازنمایی دانش بهره گرفتند. شفافیت اطلاعات محاسباتی و کاربردی بودن آن یعنی استفاده از منطق مهندسی دانش، تفکری اثبات‌گراست (الاهی، ۱۳۸۲: ۱۰۰)، اما در این اثبات‌گرایی نوعی عدم قطعیت دیده می‌شود. این نوع تحلیل سعی می‌کند عامل انسانی را نیز پراهمیت جلوه دهد و در برخورد ایستایی درون‌داده‌های سیستم، زبان انسانی و متن محوری او را نیز جای دهد، تا در طرح‌های آمایشی از حالت برنامه‌های بسته دو گزینه‌ای خارج شده و با افزایش کیفیت و امکان احتمالات فراوان‌تر یعنی عدم توافق اغتشاش^۱ و نامشخص بودن^۲ در تحلیل عمیق‌تر، خروجی‌ها و بازخوردها را مورد توجه قرار دهد. بازتاب این فضا در عرصه سیاست به مفهومی که مطرح شد، به شکل‌گیری مؤلفه‌های زیر می‌انجامید:

۱. متن سیاست به‌مثابه جنگ (جنگ اطلاعاتی)^۳

سیاست با جنگ معناپذیر می‌شود و بدون دشمن هیچ هویت سیاسی شکل نمی‌گیرد. جنگ به‌عنوان یکی از چهره‌های اصلی آشکار شدگی سیاست در روابط قدرت انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود. در مورد پیوند شدید جنگ با تکنولوژی اطلاعات، پدیده جنگ در سکوت مطرح می‌شود (محمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۰۹). در سال ۱۹۷۶ اولین بار سخن از جنگ اطلاعات به میان آمد، که منظور از آن جنگی است که سلاح اصلی آن دانش است. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۰ آمریکا به دیجیتالی کردن سامانه جنگ و سامان‌دهی و کنترل سیستم فرماندهی خود پرداخت (همان، ۱۵۷). البته پیشینه جنگ اطلاعاتی به زمانی دیرتر برمی‌گردد، از جمله اقدامات آمریکا در دوران جنگ سرد در قالب جنگ ستارگان به‌صورت دفاع فضایی قبل از وقوع حمله در آسمان و طرح شوروی به‌نام جوهر مغناطیسی یعنی هدایت موشک‌های کروژ(همان، ۲۲۸-۲۳۰). بسیاری از استراتژیست‌های نظامی اعتقاد دارند فروپاشی شوروی به خاطر برتری اطلاعاتی آمریکا بود، چرا که در شوروی تنها ۵۰ هزار کامپیوتر وجود داشت (همان، ۲۳۰). نبود جریان شفاف‌سازی یعنی اطلاعات‌مداری و در نتیجه به‌صورت بهبود روابط داخلی و خارجی و ایجاد فضای تعاملی،

^۱. Essionance-Confusion

^۲. Non Specificity

^۳. Information War

همین‌طور پیشی گرفتن دیگر کشورها و در این زمینه تغییر جوهره قدرت، این امپراطوری بزرگ در دوران صنعتی را زمین‌گیر کرد و به فرایند فروپاشی آن به لحاظ عملی و خصوصاً روانی انجامید. تکنولوژی اطلاعات در اواخر قرن بیستم بر فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و عملیاتی شدن جنگ تأثیر خارق‌العاده‌ای داشته است. این فرایند پایه‌ای است که شکل‌گیری مناسبات جدید ارتباطات و اطلاعات در امور نظامی را ضرورت بخشید. انقلاب اطلاعاتی در امور نظامی باعث شد تمام فرایند جنگی در قالب اطلاعات فضایی، تخمین امکانات محیطی ابزاری و انسانی، درجه موفقیت حمله‌ها، انجام رزمایش‌ها و پیروز شدن در جنگ منوط به داشتن این تکنولوژی شود، چرا که در نبردهای جدید، اصل نشانه رفتن به مرکز ثقل حیاتی است، که به‌نحو فلج کردن طرف مقابل، سوار شدن بر اراده او و حتی پیروز شدن در جنگ بدون جنگ مستقیم انجام می‌شود. برای مثال، در جنگ جدید اطلاعات‌محور خلیج فارس، دو سامانه اطلاعاتی ماهواره‌ای آواکس (سامانه هشدار و کنترل هواپیماهای در حال پرواز) و جی استار (سامانه مشترک راداری برای تجسس و هدف‌گیری) جنگ را نقشه‌برداری، برنامه‌ریزی و کنترل می‌کردند. کارگزاران اطلاعاتی با ۳۰۰۰ کامپیوتر جنگ را کنترل می‌کردند، به‌صورتی که در ۴۱ پرواز، یک هزار هدف حساس زده شد و ۷۵۰ فروند هواپیمای جنگنده در کنترل این سیستم بود که باعث شد عراق در همان لحظه اول فلج شود و سامانه عصبی فرماندهی عراق، به‌خاطر حمله اطلاعاتی دچار اختلال گردید. در این جنگ تنها ۲۰۰۰ نفر از نیروهای ائتلاف شرکت داشتند که تلفات آنان تنها ۳۴۰ تن بود (همان، ۲۹).

جنگ اطلاعاتی فریب، افشا، رسواسازی، بزرگنمایی، ابهام افکنی، تردید اطلاعاتی، به‌هم‌ریزی و دستکاری اطلاعاتی را در نظر دارد (همان، ۶۱) که در اثر آن اقتصاد، سلاح و قدرت نظامی جای خود را به جابه‌جایی صفر و یک‌ها می‌دهد (همان، ۱۰۷). جنگ‌های اطلاعاتی از یک‌سو با سامانه‌های غیرمتمرکز همکاری و غیرسلسله‌مراتبی جدید و از سوی دیگر با ساختار سرمایه اجتماعی، اعتماد و حتی مباحث حقوق بشر پیوند خورده است (همان، ۱۱۶). جان تاملینسون در مقاله «مجاورت سیاست» می‌نویسد: «در جنگ‌های قدیم که دولت - ملت‌ها علیه یکدیگر وارد نبرد می‌شدند، فرهنگ تجاوز، ترور و زیر پا گذاشتن حقوق بشر غیرقابل اجتناب بود. اما براساس نظریه کالدور در جنگ‌های جدید شاهد بازگشت اخلاق و عقلانی‌تر شدن محیط نبرد می‌باشیم. چرا که پیشرفت و دقت تکنولوژی‌های اطلاعاتی جدید جنگی از یک‌سو و الزام پاسخ‌گویی بازیگران سیاسی به افکار عمومی از سوی دیگر به انسانی‌تر شدن بیشتر جنگ‌ها منجر می‌شود» (Tomlinson, 2001: 57- 57). شبکه‌ای شدن سازمان نظامی و حرکت به سمت روش‌های سیبرنتیکی قصدیت جنگ را از نابودی کامل طرف مقابل به اصل آگاهی‌محور و پیچیده غافل‌گیری بازگردانده است. مغز متحرک تحلیل‌گر به‌صورت ارائه و عملیاتی شدن سیستم‌های عصبی در فرماندهی نیروی نظامی، کنترل ارتباطات اطلاعاتی را به‌دست می‌گیرد. این فرایند مهم که تحول اطلاعاتی جنگ محسوب می‌شود، ۴/۱ یعنی فرماندهی کنترل رایانه‌ای ارتباطات و اطلاعات می‌نامند. از این رو سازماندهی، برآورد نیرو، تحلیل، تفسیر و برنامه‌ریزی رزمایش، دفاع، جنگ و ... به‌صورت فلج کردن،

ترساندن، فتح کردن، نابود کردن، بدون انقلاب جدید تکنولوژی اطلاعات در عرصه جنگ قابل طرح نیست.

جنگ اطلاعاتی در عصر بیوتکنولوژی دارای تسلیحات ژنتیکی نیز است. در ماه می ۱۹۸۶ براساس گزارشی که توسط وزارت دفاع امریکا به کمیته تدارکات مجلس نمایندگان این کشور فرستاده شد، به این نکته اشاره گردید که فناوری DNA نو ترکیب و دیگر فناوری‌های موجود در عرصه ژنتیک نهایتاً جنگ میکروبی را به یک گزینه مؤثر نظامی تبدیل می‌کند. سموم قوی که پیش از این تنها به مقدار اندکی موجود بود و تنها به کمک جداسازی از مقادیر عظیم مواد بیوتکنولوژی قابل دستیابی بود، اکنون در اثر پیشرفت‌های اطلاعاتی ژنتیکی در مقادیر عظیم صنعتی تولید می‌شود (ریفکین، ۱۳۸۲: ۱۷۴). مهندسی ژنتیک می‌تواند به‌منظور از میان برداشتن گونه‌ها یا نژادهای خاصی از گیاهان کشاورزی و حیوانات اهلی - در صورتی که هدف، فلج کردن اقتصاد یک کشور باشد - به کار رود (همان، ۱۷۵). حال این نکته را در نظر آورید که سلاح‌های ژنتیکی ارزانتر و قابل دسترس‌تر از سلاح‌های هسته‌ای‌اند و بر همین اساس بود که وزارت دفاع امریکا در زمان ریگان، با این بیان که شوروی در حال تهیه تهاجم میکروبی است به سمت پر کردن شکاف ژنی حرکت کرد تا دفاع میکروبی مناسبی را تدارک ببیند. در سال ۱۹۸۱ بودجه پنتاگون برای اینکار ۱۰ میلیون دلار بود که در سال ۱۹۸۶ به ۹۰ میلیون دلار رسید. هر دو حمله به عراق نیز یکی از بهانه‌هایش همین سلاح‌ها بود که برای مثال گفته می‌شد: هر موشک اسکاد عراق می‌تواند ۴۲۰ پوند از هاگ‌های بیماری سیاه زخم را منتشر کند که برای کشتن ۶ میلیون نفر کافی است. بعد از این بود که نام ۱۷ کشور از جمله عراق، سوریه، کره شمالی، لیبی، تایوان، ایران، مصر، اسرائیل، لائوس، کوبا، بلغارستان، هند، کره جنوبی، چین، روسیه، آفریقای جنوبی و ویتنام در فهرست کشورهایی جای گرفت که در حال تحقیقات تسلیحات ژنتیکی میکروبی هستند (همان، ۱۷۹).

آنتونی گیدنز بر این باور است که در طرح نظریه دولت، نظارت گسترده و خشونت در نظر گرفته نشده است. به عقیده وی دولت‌ها از همان ابتدا اطلاعات‌محور بوده‌اند و با دنبال کردن تاریخ می‌توان اشکال جدید کنترل اطلاعاتی دولت را در عصر جهانی شدن نیز دنبال کرد (ویستر، ۱۲۶). دولت - ملت‌ها به دنبال جنگ شکل می‌گیرند و در این میان تکنولوژی اطلاعات با جنگ ارتباط بسیار نزدیکی دارد (کسل، ۱۳۸۳: ۳۷۸). اقداماتی که همه دولت‌ها - ملت‌ها در قالب نظارت درونی و کنترل سراسر بین جامعه (همچون مباحث زندان فوکو) انجام می‌دهند (ویستر، ۱۳۸۰: ۱۴۵) و ماهواره‌های نظامی، جغرافیایی و اطلاعاتی در آرام‌سازی داخلی و اثرگذاری خارجی، امکانات کنترلی را در منطق ریاضیات کاربردی شکل داده‌اند. این اطلاعاتی شدن سوداگرانه و شرکتی شدن جامعه بر بنیادهای ماشینی به سمت توجیه‌سازی اطلاعاتی جامعه در حرکت است و به‌نحو گسترده و پیچیده در حال انجام است. رسانه‌ها با داشتن قابلیت‌های جدید اطلاعاتی می‌توانند در این حوزه به خدمت گرفته شوند. یکی از موضوعات مطرح در این حوزه، جنگ روانی است. جنگ روانی نوعی قدرت نرم است که در قالب رسانه‌ها، سایت‌ها، بازی‌های کامپیوتری و فضاهای چندرسانه‌ای ایجاد می‌شود و عموماً از تکنیک‌هایی مانند

سانسور^۱، تحریف^۲، ساختن یک یا چند دشمن فرضی^۳، پاره حقیقت گویی^۴، محک زدن^۵، ادعا به جای حقیقت^۶، اغراق^۷، تفرقه^۸، ترور شخصیت^۹، شایعه^{۱۰} استفاده می‌کند (داوری: ۱۴۰- ۱۵۰).

۲. متن سیاست به مثابه دولت (دولت الکترونیک)^{۱۱}

« هرگاه خدمات و اطلاعات دولتی از طریق اینترنت یا سایر رسانه‌های الکترونیکی به صورت ساختاری، غیرسلسله مراتبی، غیرخطی و دوطرفه به صورت بیست و چهار ساعته و در هفت روز هفته ارائه گردد، دولت الکترونیک ایجاد شده است. دولت الکترونیک به معنای استفاده دولتی از شبکه گسترده جهانی، با هدف ارائه خدمات به شهروندان و برقراری امکان تعادل الکترونیکی شهروندان با سازمان‌ها در سطوح مختلف دولت از طریق اینترنت، پست الکترونیکی، ویدئو کنفرانس و سایر روش‌های دیجیتالی به کار رفته است» (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۱۶). در مورد مقایسه بوروکراتیک دو الگوی سنتی بوروکراتیک و الگوی دولت الکترونیک می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الگوی سنتی بوروکراتیک	الگوی دولت الکترونیک	
کارایی هزینه تولید	رضایت کاربر، کنترل و انعطاف‌پذیری	جهت‌گیری
عقلانیت وظیفه‌ای، بخش‌بندی، سلسله مراتب عمودی کنترل	سلسله‌مراتب افقی، سازمان شبکه‌ای، تسهیم اطلاعات	سازماندهی فرایند تولید
مدیریت بر مبنای قانون و بخشنامه	مدیریت منعطف کار تیمی بین واحدی با هماهنگی مرکزی	اصول مدیریت
دستوری و تأکید بر کنترل	آسانگیر، تسهیل‌کننده و هماهنگ‌کننده کار آفرینی خلاق	سبک رهبری
بالا و پایین، سلسله‌مراتبی	شبکه چند جهته با هماهنگی مرکزی، ارتباطات مستقیم	ارتباطات درونی
متمرکز، رسمی، کانال‌های محدود	رسمی و غیررسمی، بازخورد مستقیم و سریع، کانال‌های چندجانبه	ارتباطات بیرونی
ارائه مستند خدمات، تعامل میان فردی	ارتباط الکترونیکی، عدم تعامل چهره به چهره	نحوه ارائه خدمات
اصول و ارائه خدمات	کاربر پسند	اصول و ارائه خدمات

مأخذ: یعقوبی، ۱۳۸۶: ۳۴.

دولت الکترونیک، گونه‌ای منسجم و کارآمد از ارتباط شهروندان با سیاستمداران در ارتباط ارائه خدمات و پیگیری مطالبات به نحوی بسیار شفاف است. در این سیستم ارتباطات چهره به چهره و مبتنی بر

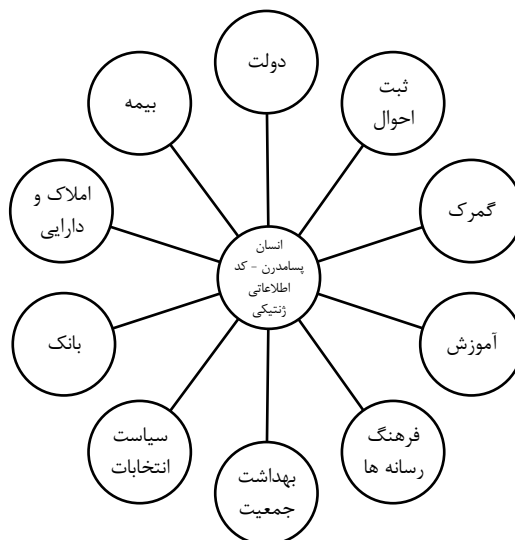
¹. Censorship 2. Distortion 3. To make a supposed enemy
⁴. To resale apart of truth 5. to test for confirm 6. pretense instead of truth
⁷. Hyperbole 8. Division 9. Terror
¹⁰. Rumor 11. E Government

محدودیت‌های مکانی و زمانی حذف می‌شود. شکل‌گیری دولت الکترونیک زیرساخت‌های زیادی می‌طلبد که خود را در جامعه اطلاعاتی بروز می‌دهد. سیستم مخابراتی پیشرفته و دامنه وسیع دسترسی شهروندان به کامپیوتر و اینترنت و از همه مهم‌تر کاربران اطلاعاتی، می‌توانند زمینه‌ساز تحقق دولت الکترونیک باشند. ویژگی تکنولوژی‌های اطلاعاتی از جمله تعاملی بودن، جمع‌زدایی، ناهم‌زمانی، تمرکززدایی، ظرفیت بیشتر و انعطاف‌پذیری، بستری را به‌وجود می‌آورد که مدیریت بخش عمومی را به استفاده از این ویژگی‌ها در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در اداره عمومی وا می‌دارد (همان، ۷۳).

دولت الکترونیک باعث می‌شود کارایی عملیاتی دولت در چهار مورد یعنی افزایش بهره‌وری، کاهش نیروی کار، کنترل مدیریت فرایندها و کارکنان و صرفه‌جویی در زمان مورد توجه قرار گیرد. در مورد اثربخشی مدیریت دولت الکترونیک می‌توان به سه شاخص بهبود فرایند تصمیم، بهبود برنامه‌ریزی و بهبود کالاها و خدمات اشاره کرد (همان، ۵۸). مدل قدیم سیاست‌گذاری در قالب مباحث مدیریت دولتی و سامانه‌های نوع آرمانی بوروکراتیک تعریف می‌شد. اما با به‌وجود آمدن فضای جدید، متکثر و پاسخگویی قدرت سیاسی در عصر اطلاعات، می‌توان میان مدیریت عمومی و خط‌مشی‌گذاری از یکسو و سیاست‌گذاری و حکمرانی از سوی دیگر تمایز ایجاد کرد. حکمرانی خوب در پیوند با ساختار آگاهی‌محور و تمرکززدایانه مبتنی بر شهروندان اطلاعاتی و سیاستمداران خبره معنا پیدا می‌کند. تصمیمات اتخاذ شده برای عرصه عمومی مورد نقد و بررسی و بازخورد قرار می‌گیرد و شهروندان در امر سیاسی دقت و مشارکت مستقیم دارند. از سوی دیگر بوروکرات‌ها از حالت سنتی، قانونی و خشک بیرون آمده و با افزایش حیطه فضاهای مجازی و سایبر، خلاقیت و حتی اخلاق را مبتنی بر ویژگی‌های محلی هر منطقه پیاده می‌کنند. سیاستگذار تنها مدیر اجرایی نیست، بلکه علاوه بر اجرا، در فرایند خط‌مشی‌گذاری برای عموم نیز مشارکت دارد. این شیوه مدیریت عمومی جامعه بعد از مفاهیم دولت رفاهی و سیاست خودجوش محافظه‌کار، اخیراً به مفهوم حکمرانی خوب مطرح شده است (همان، ۳).

در نمودار زیر شکل پیشرفت دولت الکترونیک به همراه پیش‌فرض‌های آن آمده است:

نمودار-۲. پیشرفت دولت الکترونیک



- همه این مراکز ارائه دهنده خدمات و برنامه‌ریزی سیاسی و عمومی به یکدیگر ارتباط دارند.
- فرد با داشتن یک کد اطلاعاتی ژنتیکی ثابت در مرکز این دولت رفاهی بسیار منضبط قرار می‌گیرد.
- زبان قابل فهم و مناسب برنامه‌ریزی و کاربردی همه خرده‌نظامها، ریاضیات است.
- دایره کم و بیشی از اعداد با کمی کردن همه روابط انسانی مبتنی بر یک نوسان کنترلی بر استانداردهای عددی، فرد را در همه زمینه‌ها هدایت و فایده‌مند می‌کنند.
- تمام این سامانه‌ها که دارای یک زبان مشترک و کدهای اطلاعاتی قابل فهم و تحلیل برای یکدیگر هستند، یک ساختار را شکل داده‌اند (heeks, 1999).

۳. متن سیاست به مثابه شهروندان (جامعه مدنی اطلاعاتی)^۱

جامعه مدنی به تعریف پیتر دالگرن از لحاظ نهادین مرکب از عناصر است: گستره خصوصی (به‌ویژه نهاد خانواده)؛ گستره تشکلهای (به‌ویژه تشکلهای داوطلبانه)؛ جنبش اجتماعی (با تأکید بر اهمیت سیاسی آنها)، شکل‌های متعدد ارتباطات عمومی (دالگرن، ۲۰۱۰: ۱۳۸۵). در سیاست عصر اطلاعات، امکانات لازم برای سیاست‌ورزی عمل‌گرایانه مستقیم شهروندی، بر مبنای احساس تعهد سیاسی نسبت به موضوعات قدرت‌سازنده ایجابی (هابز) و قدرت سلبی مقاومتی (لاک) شکل گرفته است. رسانه، ماهواره و اینترنت، فضای سایبری را به‌وجود آورده است که در آن پتانسیل‌های مثبت دموکراسی از قالب سنتی خود خارج شده است (mazarr, 2002:8). این فرایند به ایجاد فضای دموکراسی دیجیتالی به‌صورت شهروندان توانمند و مشارکت مستقیم در امر سیاست کمک کرده است (کوهن، ۱۳۸۳: ۵۹ - کین، ۱۳۸۳: ۱۶۸ -

¹. Information Civil society

مور، ۱۳۸۳: ۹۰). میشل مازار می‌گوید: «با وقوع انقلاب اطلاعات گروه‌های ریز ملی فعال شده و فرایند دموکرات شدن شتاب پیدا می‌کند او گسترش اینترنت را به تشدید روند جهانی شدن پیوند می‌زند» (mazarr, 2002:3- 5). تکنولوژی اطلاعات امکانات وسیعی را برای دموکراسی، جامعه مدنی و مشارکت مستقیم شهروندان در جهت ایجاد کنش ارتباطی به‌منظور خلق الگوهای تعاملی گفتمانی فراهم نمود (کین، ۱۳۸۳: ۱۹۰). امکان‌هایی که در مباحث دفاع از تجددها بر ماس و دموکراسی مستقیم عمل‌گرای آرنت فراهم نبود و آنها را غیر عملی می‌کرد (هابرماس، ۱۳۸۶: ۴۰ - ۵۰).

اندیشه‌های عمل‌گرایانه لیبرال آرنت اکنون کارایی آن را دارد تا در پرتو شرایط به‌وجود آمده، از قبیل شبکه‌های جهانی طرفداران حقوق زنان، وبسایت‌های سیاسی گوناگون فروملی، ملی و فراملی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل الکترونیکی، دموکراسی‌های شبکه‌ای و مستقیم، دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌های الکترونیکی و مجازی و ... که سیاست را عمومی، آزاد، دم‌دستی و شفاف کرده‌اند، نگاهی خوش‌بین و کارا به این عرصه بیندازد و با آن بتواند یک تحلیل فلسفی و عمیق از غایت، مشروعیت، سرشت قدرت و ... در منطق تکنولوژی اطلاعات و سیاست ارائه نماید. برای مثال رینگولد در کتاب مشهورش «اجتماع مجازی» به ارتباطات کامپیوتری به‌عنوان گفتگوهایی اشاره می‌کند که در مکان اجتماعی و شناختی صورت می‌گیرد تا مکان جغرافیایی. گفتگوی اینترنتی فرصتی برابر و متساوی به همه کنش‌گران عرصه سیاسی می‌دهد و با توجه به نبود فیزیکشان آنچه اهمیت دارد، صدا و اندیشه است و دموکراسی که در این فضای تفهیمی و مشارکتی فعال شکل می‌گیرد، ماهیت نرم، مستقیم و حداکثری را دارد. نظرها و صداها امکان دستیابی به حقیقت را هموارتر می‌کنند (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۳۳). پس مشارکتی بودن، باز بودن و عمومی بودن اینترنت می‌تواند فضاهای عمومی بی‌شماری را احیا کند.

برخی نیز رابطه آثار آرنت با تکنولوژی اطلاعات و دموکراسی مشورتی مستقیم را دریافته‌اند و می‌گویند: هانا آرنت در کتاب «میان گذشته و آینده» به بررسی قرابت و خویشاوندی هنرهای نمایشی با سیاست می‌پردازد. به نظر وی، هنرهای نمایشی یک خویشاوندی نزدیکی با سیاست دارد؛ در هنرهای اجرایی رقاصان، بازیگران و نوازندگان به پیام‌گیرانی نیاز دارند تا هنروریشان را بنمایانند. به همین سان، عمل‌کنندگان نیز به حضور دیگران نیاز دارند، قبل از اینکه اصلاً بتوانند ظاهر شوند. هر دو، یعنی سیاست و هنر به فضای سازمان یافته‌ای برای کارشان نیاز دارند (همان، ۳۳۴). بحث دیگر آرنت، فضای جریان مداومی بازخورد اندیشه‌ها از راه گفتگو در یک فرایند هویت‌یابی آزادانه و عمل‌گرایانه در عرصه برابر سیاسی است. او در نوشتار حقیقت و سیاست می‌گوید: «اندیشه سیاسی باز نمودی است ... هر چه در هنگام تفکر درباره امر معین دیدگاه‌های تعداد افراد بیشتری در ذهن من حاضر باشد و من بهتر بتوانم تصور کنم که اگر جای آنان بودم، چگونه احساس و فکر می‌کردم، ظرفیت من برای اندیشیدن، به‌منظور نمایندگی قوی‌تر خواهد بود و نتیجه‌گیری نهایی و عقیده من معتبرتر خواهد بود» (همان، ۳۳۴). نیک استیونسون با اشاره به دیدگاه مک‌لوهان دموکراسی عصر آینده را با توجه به پیاده شدن تکنولوژی اطلاعات گونه‌ای از دموکراسی مستقیم به سبک آتنی می‌داند که در آن شهروندان تنها محصور در دولت‌های ملی نیستند و می‌توانند دموکراسی مستقیم جهانی را تجربه کنند (Stevenson, 2001:67).

برخی از نحل‌های سنت تحلیلی انگلوساکسونی خطر پسامدرن‌ها را جدی گرفتند و با تواضع و خویشتن داری سعی کردند محتاط، آرام و محافظه‌کارانه به آنان نزدیک شوند، اندیشه‌شان را رام کنند و در خدمت عقلانیت خویش قرار دهند. آنها می‌گویند شاید این غوغا و گرد و غبار بلند شده از تفکر پسامدرن فواید، امکانات و فرصت‌هایی را به لحاظ عملی و اندیشگانی در خدمت مدرنیته و عقلانیت غربی قرار دهد. با این پیش فرض، آنان هرج و مرج، آشوب، نسبیت، پوچ‌گرایی و ... روایت آنان را جدی می‌گیرند؛ اما از خاکستری چنین هولناک، مفاهیم فردگرایی، تکثر، مدارا، تساهل و عمل‌گرایی بیرون می‌کشند؛ مگر نه اینکه کانت پیامبر روشنگری مدرنیته از خاکستر شکاکیت ویرانگر هیوم علیه تجربه‌گرایی توانست منطق جدید تفکر انسان محور را بیرون بکشد؛ در اینجا در قرن اطلاعات نیز ما شاهد چنین تلاشی با مقتضیات خود هستیم. گیبینز و ریمر در کتاب «سیاست پست مدرنیته» به ابعاد فرایند رسانه‌ای شدن در جهان اطراف ما پرداخته‌اند. از نظر آنها در امریکا دیگر مردم علاقه‌ای به خواندن روزنامه‌ها ندارند و به جای آن عمدتاً از رسانه‌های الکترونیکی استفاده می‌کنند. دسترسی آسان و همچنین شباهت به واقعیت، از دلایل استفاده از این رسانه‌هاست. به قول مایرو ویتز: تلویزیون تنها رسانه‌ای است که کدها و رمزهای آن را هر کسی حتی کودکان می‌توانند به راحتی بفهمند. تکنولوژی اطلاعات و فرهنگ رسانه‌ای، مردم را با تحولات و دغدغه‌های فراملی آشنا می‌کند (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۷۰-۷۳). پس فرهنگ تکنولوژی اطلاعات، رسانه‌ها و اینترنت بسیار به دموکراسی نزدیک است و امروزه با توجه به بحران‌های شدید دموکراسی، به سختی می‌توان از دموکراسی و حوزه‌ی عمومی بدون تکنولوژی اطلاعات نام برد.

ریچارد رورتی نیز همین تحول اندیشگانی را درک و جذب کرد. او می‌گوید که دموکراسی‌های مدرن بر اساس فهم‌های سنتی از مشروعیت، دیگر قابل توجیه نیست (رورتی، ۱۳۸۵: ۵۹۹). متافیزیک غرب با نیچه و فهم‌های جدید ضد علیت، طرفدار همبستگی کم‌رنگ شده است (همان، ۶۰۳). از سوی دیگر، همین نقادی‌ها امکان جدیدی را جهت تداوم دموکراسی و اندیشه مردمی فراهم کرده است. نسبی‌گرایی، منفی نیست، بلکه می‌خواهد به عکس، جهت پوچ خود را در جهت نوعی همبستگی ضد قومی - نژادی مبتنی بر گفتگو به کار ببرد (همان، ۶۰۰). مردم حاکم می‌شوند و فیلسوفان و اندیشمندان ساکت، تا خود فردانیت‌ها بر بستری از آگاهی و شعور جدید خلق شده و اخلاق جهانی متکثر در فضای مملو از مفاهیمی برای حاکم کردن ناخودآگاهی که دارای منطق خودجوش است وارد عمل شود. دموکراسی‌های شبکه‌ای و مجازی و ارتباطات سیاسی ملی، نهادی و مقاومتی آنقدر شیوع پیدا کرده است که دیگر دموکراسی نیاز به فلسفه نداشته باشد. فلسفه حتی اگر آخرین توان خویش را نیز بگذارد دیگر جایگاه سابقش را پیدا نخواهد کرد. جان کین در کتاب «حیات عمومی و سرمایه‌داری متأخر» به نقد هابرماس می‌پردازد و می‌گوید: «دموکراسی را نباید شکلی از زندگی دانست که از اصول هنجاری بنیادین تأثیر می‌پذیرد. منش سقراط‌گرایی و فلسفه زبانی جهانشمول که همه چیز را می‌داند همه مخالفان خود را از میدان به در می‌کند. دموکراسی بیش از فلسفه به پلورالیسمی نیاز دارد که رسانه‌ها و عرصه باز عمومی برای آن فراهم می‌کند» (کین، ۱۳۸۳: ۹۷). اکنون به جامعه مدنی جهانی و جنبش‌های جدید در عصر اطلاعات می‌پردازیم. بنا بر تحلیل آیرمن و جیمسون ساختار نامنسجم اینترنت، این امکان را برای جنبش‌های نوین

اجتماعی فراهم می‌سازد تا به فرایندهایی در حال شکل‌گیری که محصول یک رشته برخوردهای اجتماعی است، تبدیل شوند. خدمات خبری و اطلاعاتی سنتی برای اهداف آنها مناسب نیستند (سالتر، ۱۳۸۳: ۱۴۲). جوزف لیک‌کیدر می‌نویسد: رایانه به‌عنوان یک وسیله ارتباطی اهمیت همکاری در توسعه را افزایش داده است، چرا که اجتماع انسان‌ها نسبت به مدل‌سازی یک ذهن واحد بی‌اعتماد است (همان، ۱۴۳). علاوه بر این در این زمینه می‌توان به نظرات کاستلز اشاره کرد. کاستلز تقویت و گسترش جنبش‌های جدید و بهره‌مندی از امکانات تکنولوژی اطلاعات در جهت عضوگیری و مشارکت در امر سیاسی به‌نحو انتقادی را (همانند جنبش زنان، سبزه‌ها، همجنس‌گرایان و گروه‌های قومی، نژادی، زبانی، مذهبی) چنین ترسیم می‌کند: تکنولوژی اطلاعات در عصر جدید به شکل‌گیری نوعی مقاومت سیاسی در مخالفت با سراسری بودن هویت‌های یکنواخت و آرمان‌شهرها و استانداردهای یکدست، کمک کرده است. مقاومت هویت‌های طالب معنا در جامعه شبکه‌ای این‌گونه اهداف را دنبال می‌کند. آنها از یک‌سو با تمسخر و تردید یا به حاشیه رفته‌اند و یا نمایشگاه خارق‌العاده‌های جهانی شدند، اما از سوی دیگر با امکانات تکنولوژی اطلاعات و قدرت درونی خویش برای به رسمیت شناخته شدن تلاش می‌کنند. کاستلز از حرکت‌های قومی، مذهبی، منطقه‌ای و ملی نام می‌برد که طرفداران نوعی بهشت مشترک در مرزهای گوناگون مغایر با وضع فعلی‌اند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ج ۲: ۲۲ - ۲۹). او سپس به گروه‌هایی اشاره می‌کند که علیه نظم نوین جهانی اعتراض دارند؛ اما به‌نحو کاملی از امکانات آن بهره می‌گیرند. گروه اول زاپاتیستاهای مکزیک هستند که کاستلز از آنان جانبداری شدیدی می‌کند. او می‌گوید: زاپاتیستاهای اولین گروه چریکی عصر اطلاعات‌اند که بر علیه نفتا و شرکت‌های بزرگ خریدار نفت امریکای لاتین قیام کردند. آنها از پیوند سه اندیشه، عدالت رهایی بخش کاتولیک، چپ مائویست دهقانی و سرخپوستان ضدامپریالیسم شکل گرفتند و با استفاده از درگیری‌ها و فرارها و همزمان پوشش مناسب و سریع خبری به همراه تهدید، گروگانگیری و ... توانستند افکار عمومی داخلی، محافل جهانی و افکار جهانی را با خود همراه کنند و خواسته‌هایشان را بر دولت خویش تحمیل نمایند، ظلم و ستم وارده بر کشاورزان و دهقانان مکزیک را با کامپیوترها و اینترنت خبررسانی کنند. آنها با تعویض جا و مکان خویش از کمترین نیرو و هزینه با پشتوانه تفکر و دانش استراتژی اطلاعاتی خویش بهره‌مند شدند (همان: ۱۰۱ - ۱۱۱) و (O'Neil, 2002: 48).

گروه دوم میلیشیای وطن پرست امریکا هستند که علیه فدرالیسم، جهانی شدن، فمینیست‌ها و سرمایه‌داران فعالیت می‌کنند و انجمن بنیادگرایان ملی‌گرای سنتی از آنها حمایت می‌کنند. کاستلز می‌گوید: این ملی‌گرایان امریکایی متعصب حتی از طرفداران محیط زیست و جنبش صلح نیز نفرت دارند و با امکانات تکنولوژی اطلاعاتی، آنها را تهدید می‌کنند (همان: ۱۱۷-۱۲۶). نهضت آخر، راهبان ائوم شیروکوی ژاپنی هستند که دارای اندیشه‌های عرفان التقاطی علیه نظم تکراری و پدرسالارانه، مذهب ژاپن و نظم نوین جهانی‌اند و با تبلیغات، شرکت در انتخابات، عضوگیری و حتی بمب‌گذاری در متروها اهداف خود را دنبال می‌کنند (همان: ۱۳۰-۱۳۷). مقاومت سوم مربوط به نهضت سبزه‌هاست که کاستلز همان اطلاعات قدیمی و کلاسیک را به‌طور خلاصه ارائه می‌کند و پیوند آنها با صلح‌گرایان در عصر جدید و

شیوه‌های اعتراض مجازی و آگاهی دادن‌های گسترده حیات باورانه‌شان را می‌توان نام برد (همان: ۱۴۸-۱۷۲).

اما شور انگیزترین بخش آثار کاستلز در مورد قیام‌کنندگان علیه پدرسالاری است. تکنولوژی اطلاعات و عصر جدید امکانات خارق‌العاده‌ای در اختیار زنان گذارده است. تکنولوژی‌های تولیدمثل، تکنولوژی اطلاعات و نهضت فمینیستی با درهم تنیدگی زیاد و تغییر نگاه‌ها و کارکردهای نابرابرانه و ظالمانه برخاسته از پدرسالاری، خانواده و جنسیت چنان پیش می‌روند که ما شاهد پایان پدرسالاری در هزاره جدید هستیم. البته کاستلز در تمام نوشته‌هایش دغدغه‌ی این بحث را دارد، خصوصاً در جنوب شرقی آسیا که زمانی جنبش هم‌جنس‌گرایان آنها را در مقابل هم‌جنس‌گرایان آمریکا قرار می‌دهد و یکی از دلایل نقادی او از ژاپن این است که سنت‌گرایی و پدرسالاری آن مانع رشد این نهضت‌هاست. (همان: ۱۷۹-۲۸۸)

۴. متن سیاست به مثابه دیپلماسی (دیپلماسی دیجیتالی)^۱

دیپلماسی سنتی نوعی نظام مکانیکی و روابط نیوتونی سخت قدرت بود که بازیگران اصلی آن یعنی دولت - ملت‌ها با مقامات رسمی محدود و قوانین سفت به همراه روابط چهره به چهره از طریق سفارتخانه‌ها مبادرت به انجام آن می‌کردند. سیاستمداران از ابزارهای نظامی اقتصادی و سخت‌افزاری قدرت در جهت رسیدن به اهداف مشخص اقدام می‌ورزیدند (بیات، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۲). با به‌وجود آمدن انقلاب اطلاعاتی به گفته جوزف نای عرصه روابط بین‌المللی شکل قدرت نرم به‌خود گرفت (همان: ۲۳). فن و هنر اثرگذاری نهادهای ملی، فرا ملی و فروملی به سبک ایده و سازه‌های هویتی بر یکدیگر در دموکراسی دیجیتالی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار گردید (همان: ۳۷). تیموتی لاک می‌گوید: «در دیپلماسی دیجیتالی نقش قدرت‌ها کم‌رنگ‌تر شده و روابط بین‌الملل در محیطی کوانتومی و فضایی پویا و پیچیده با اغواگری‌های اخلاقی قرار می‌گیرند». کنیچی اوهمای (۱۹۹۰) در کتاب معروف خود به نام «جهان بدون مرز» (THE BORDERLESS WORLD) از پایان دولت - ملت‌ها می‌نویسد. او که به گونه‌ای افراطی طرفدار جهانی شدن است (سلیمی، ۱۳۸۴: ۷۹)، با اشاره به کشورهایی مانند آمریکا، ژاپن، اروپا، تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ استدلال می‌کند که نقش بوروکرات‌ها، سیاستمداران و نظامیان کم شده است. (همان: ۸۱) از نظر وی اکنون به مشروعیت و جایگاه جدیدی از شهروندی دست خواهیم یافت که در آن، سیاست حکومت‌ها و دستیابی به جریان آزاد اطلاعات، پول، کالا، محصولات و ... خواهد بود، مانند: مهاجرت آزاد مردم و جابه‌جایی آزاد شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی به‌سوی درک ملزومات و شرایط جدید اقتصاد جهانی (Ohmae, 1990 x11.x111). مرزهای جدید در جریان فعالیت‌های صنعتی، کم‌رنگ و حذف می‌شوند و قدرت از حالت جنگ افزاری به اطلاعاتی تبدیل می‌شود (Ohmae, 2002: 193). دولت - ملت‌ها برای سازمان‌دهی فعالیت انسانی و اداره تلاش‌های اقتصادی در یک جهان بدون مرز به واحدهای غیرطبیعی، معلول و ناکارآمد تبدیل می‌شوند (Ohmae, 1990:3). البته اوهمای با این دیدگاه خود

¹. Digital Diplomacy

به نقد دموکراسی‌های امریکا و ژاپن، خصوصاً نظامی‌گری امریکا می‌پردازد (Ohmae, 2002: 9-16). کاستلز با شوروشوق از کم‌رنگ شدن دولت - ملت‌ها و گسترش زوال آنها می‌گوید: «در پایان این هزاره شاه و ملکه یعنی دولت و جامعه مدنی هر دو بی‌تخت و کلاه‌اند و فرزندان، شهروندان آنها آواره یتیم‌خانه‌ها شده‌اند» (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۲۶). او سپس این بحث را پیش می‌کشد که اساس مدرنیته سیاسی برمبنای دولت و تعلق خاطر به سرزمینی بود که در شکل لویاتانی ضعیف یا قوی، کوچک یا بزرگ به تأمین رفاه و سعادت شهروندان خود می‌پرداخت. اما اکنون «دولت‌ها باید چشم بسته تیری در تاریکی رها کنند و این احتمال را بپذیرند که شاید به خود شلیک کرده باشند» (همان، ۳۱).

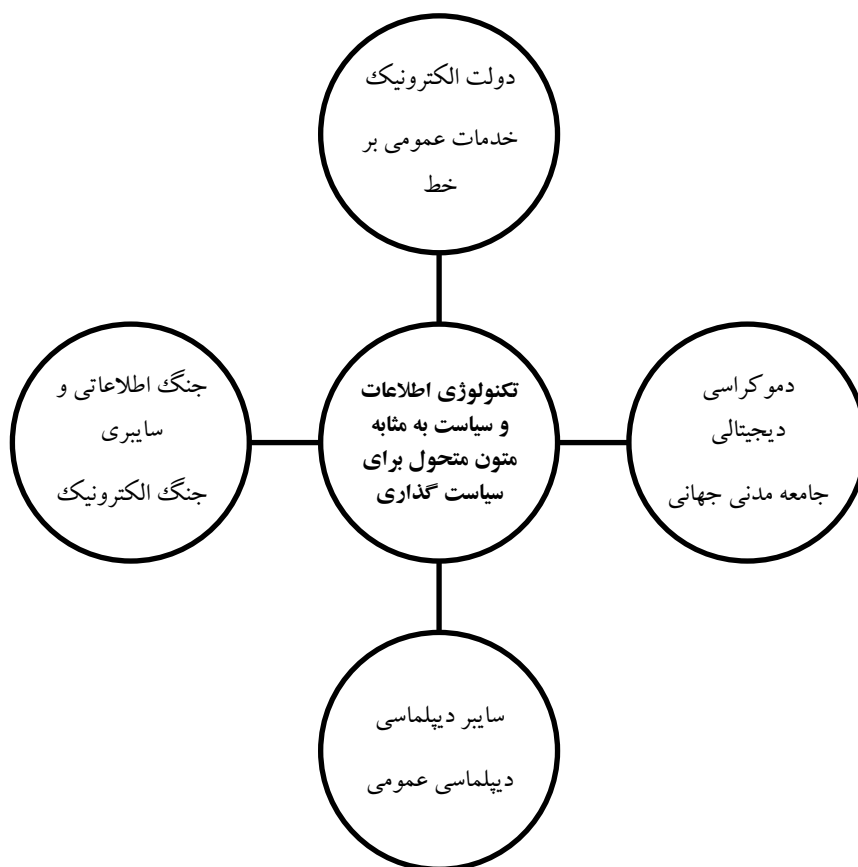
ژان ماری گنو در مورد این جغرافیای جدید جهانی به اهمیت تکنولوژی اطلاعات اشاره می‌کند. او می‌گوید: اختراع ماشین چاپ توسط گوتنبرگ باعث شد علوم و فنون از انحصار کلیسا و طبقات قدرتمند بیرون آید. اما انقلاب تکنولوژی اطلاعات به در هم شکستن مرزهای جغرافیا و قلمروهای اقتدار کمک بسیاری کرد (بیات، ۱۳۸۵: ۶۰). اکنون دیپلمات‌ها از طریق اینترنت به تعاملات شبکه‌ای و مدیریت تصاویر روی آورده‌اند. تله دیپلماسی منجر به توانایی پاسخ‌گویی سریع به جریان شتابنده اتفاقات است. ابتکار این نوع دیپلماسی توسط موسسه صلح امریکا در سال ۱۹۹۵ آغاز شد که دو هدف عمده مدنظر قرار داشت. اول، ایجاد توانمندی در شکل دادن به سفارت خانه‌های مجازی که چیزی بیشتر از یک رایانه، یک مودم و یک تلفن ماهواره‌ای در اتاق هتل نیست. دوم، ایجاد کردن نوعی نمایندگی مجازی از طریق گسترش تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در بین وزارتخانه کشور و نمایندگی‌های مستقر در خارج (همان، ۴۷). با افزایش ارتباطات رسانه‌ای، تصویری، فردی، سازمانی و از همه مهم‌تر سیاسی مذاکره، آشنایی و تفاهم بین‌المللی افزایش می‌یابد و جهان، صورت‌های روابط بین‌الملل بدون جنگ را بیشتر تجربه می‌کند. به گفته جیمز روزنا، عصر اطلاعات، جامعه پسا صنعتی، انقلاب میکروالکترونیک‌ها و در یک کلام تکنولوژی اطلاعات جوامع محلی، ملی و بین‌المللی را چنان به هم نزدیک و وابسته کرده است که در گذشته اصلاً سابقه نداشته است (روزنا، ۱۳۸۳: ۳۹). این فرایند باعث شده است که در سطوح گوناگون سیاسی خصوصاً عرصه‌ی حساس و استراتژی روابط کشورها با نوعی کنترل ستیزها مواجه باشیم. برای مثال، روزنا از افزایش چشمگیر کنفرانس‌های رایانه‌ای (Computer conferencing) در سطح بین‌الملل (همان: ۴۳۷-۴۳۸) و دیپلماسی‌های دیجیتالی نام می‌برد که باعث افزایش صلح شده است. پس می‌توان گفت دیپلماسی دیجیتالی عبارت است از: اثرگذاری، اقناع و انگیزش بازیگران با جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، پردازش و توزیع اطلاعات در زمان مناسب، بدون محدودیت مکانی از طریق تکنولوژی اطلاعات در جهت منافع ملی است (بیات، ۱۳۸۵: ۵۲). مک کورمیک می‌گوید: شبکه‌ای شدن جامعه بین‌الملل باعث می‌شود هویت‌های به حاشیه رفته که زمانی برای پاسداشت هویت خود سرکوب می‌شدند و یا منطق خشونت را دنبال می‌کردند اکنون فرصت می‌یابند که از آرمان‌های خود با محوریت گفتگو و اندیشه دفاع کنند که این خود نوعی پیشرفت برای صلح بین‌الملل و جلوگیری از نسل‌کشی‌ها محسوب می‌شود (McCormick, 2002: 22). با توجه به همین امر است که تحلیل‌گران عرصه اطلاعات گسترش تلویزیون را با مدرنیته و ملی‌گرایی همراه می‌دانند. اما همه گیر شدن ماهواره و اینترنت را امکانیت بسیار

قوی برای عصر پسامدرن، فرایند جهانی شدن و گسترش حقوق بشر در عرصه روابط بین‌الملل تحلیل می‌کنند (سلیمی، ۱۳۷۹: ۳۷۹ - ۳۹۵).

۵. نتیجه‌گیری

تکنولوژی‌های جدید دنیای پست مدرن را ایجاد کرده‌اند که در آنها بسیاری از شاخص‌های دنیای مکانیک کوانتوم به هم ریخته است. به همین نسبت متون سیاسی نیز با توجه به حرکت به سمت عصر اطلاعات دچار تحولات بنیادینی شده‌اند. چهار متن متحول شده سیاسی در مقاله تحلیل گردید.

نمودار - ۳.



سیاست نوعی برنامه‌ریزی در متونی است که به‌نوعی با منافع عموم سروکار دارد. متونی که در زندگی اجتماعی انسان‌ها با آنها سروکار دارند و سیاست‌گذاری اغلب در متن آنها صورت می‌گیرد. تعیین سیاست‌های کلان و خرد برای جامعه از طریق دولت صورت می‌گیرد. دولت‌ها برای تأمین امنیت که اولین هدف ضروری هر حکمرانی است ملزم به اندیشیدن تمهیداتی برای جنگ هستند. از سوی دیگر سیاست‌گذاری در مورد موضوعات خارجی جز از طریق دیپلماسی امکان‌پذیر نیست. در نهایت نیز ارزیابی و تحلیل سیاست از طریق مشارکت مردم برای چرخش نخبگان و شاخص‌های دموکراسی روی می‌دهد. همه این متون سیاسی در عصر اطلاعات به هم ریخته‌اند. قرن بیست‌ویکم جهان شاهد عملیاتی شدن شاخص‌های عصر اطلاعات است. کشورهایی که در حیطه سخت‌افزار، نرم‌افزار، برنامه‌نویسی، ماهواره و تولید دال و نمادهای مخاطب‌پسند فعال باشند می‌توانند دارای قدرت نرم باشند. بخش خدماتی و جهانگردی توسعه زیادی پیدا کرده است و قدرت دولت ملی از نوع صنعتی، نظامی و تجاری و حتی فرهنگی کاسته شده است. شرکت‌های بزرگ چندملیتی که ابزارها و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و هوشمند به‌کار می‌برند اغلب تولید جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در این مقاله با بررسی مفاهیم تکنولوژی اطلاعات و سیاست تحولاتی تکنولوژیک که به کارآمدی در عرصه سیاسی انجامید، تحلیل گردید. با تعریفی که از سیاست مطرح شد نتایج کارآمد این تحولات در چهار متن سیاسی جنگ، دولت، شهروندی و دیپلماسی واکاوی شد. به این معنا سیاست‌گذاری در عصر اطلاعات بدون فهم این متون متحول شده سیاسی به کارآمدی و تعادل منتهی نخواهد شد.

منابع

- «اخلاق زیستی(بیواتیک)» (۱۳۸۳). از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات سمت، دانشگاه علامه.
- انصاری، منصور (۱۳۸۴). «چالش‌ها و فرصت‌های فراروی گذار به دموکراسی»، در گذار به دموکراسی، حسین بشیریه، تهران: نگاه معاصر.
- بل، دانیل (۱۳۸۲). «آینده تکنولوژی»، ترجمه احد علیقلیان، تهران: وزارت امور خارجه.
- بل، دانیل (۱۳۸۵). «فرا رسیدن جامعه‌ی پسا صنعتی»، ترجمه محمد شگری در لارنس کهون، متن‌های برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرن، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نی بیات، محمود (۱۳۸۵). «دیپلماسی دیجیتال»، تهران: وزارت امور خارجه.
- پوپر، کارل (۱۳۸۴). «اسطوره چارچوب»، ترجمه علی پایا، تهران: طرح نو.
- حقیقی، شاهرخ (۱۳۸۰). «گذار به مدرنیته»، تهران: آگه.
- خالقی، احمد (۱۳۸۲). «قدرت، زبان، زندگی روزمره»، تهران: گام نو.
- خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۸۲). «پوزیتیویسم منطقی»، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دالگرن، پیتر (۱۳۸۵). «تلویزیون و گستره‌ی عمومی»، ترجمه مهدی شفقتی، تهران: سروش.
- داوری، علیرضا (۱۳۸۶). «در میان دو انقلاب»، تهران: پلیکان.
- دکارت، رنه (۱۳۸۱). «گفتار در روش به کار بردن صحیح عقل» ترجمه محمد علی فروغی سیر حکمت در اروپا، تهران: زوار.
- رورتی، ریچارد (۱۳۸۵). «همبستگی یا عینیت»، ترجمه محمد رضا عضدانلو، در از مدرنیته تا پست مدرنیسم، لارنس کهون، تهران: نی بیات.
- روزنا، جیمز (۱۳۸۳). «آشوب در جهان سیاست»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: روزنه.
- ریفکین، جرمی (۱۳۸۲). «قرن بیوتکنولوژی»، ترجمه حسین داوری، تهران: کتاب صبح.
- سالتر، لی (۱۳۸۳). «دموکراسی، جنبش‌های نوین اجتماعی و اینترنت» ترجمه پیروز ایزدی در فصلنامه رسانه شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- سلدون، رمان و پیتر ویدسون (۱۳۸۴). «راهنمای نظریه ادبی جدید»، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- سلیمی، حسین (۱۳۷۹). «جهانی شدن و حقوق بشر»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴). «نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن»، تهران: سمت.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۳). «بنیادهای علم سیاست»، تهران: نشر نی.
- فروغی، محمد علی (۱۳۸۱). «سیر حکمت در اروپا»، جلد ۳، تهران: زوار.

- کارناپ، رودولف (۱۳۸۲). «غلبه بر متافیزیک از طریق تحلیل منطقی زبان، در پوزیتیویسم منطقی»، بهاء الدین خرمشاهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳). «چکیده آثار آنتونی گیدنز»، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس.
- کوهن، جین (۱۳۸۳). «حوزه عمومی، رسانه‌ها و جامعه مدنی»، ترجمه لیدا کاووسی در فصلنامه رسانه شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- کین، جان (۱۳۸۳). «رسانه‌ها و دموکراسی»، ترجمه نازنین شاه رکنی، تهران: طرح نو.
- کین، جان (۱۳۸۳). «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی»، ترجمه اسماعیل یزدانپور در فصلنامه رسانه شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۰). «عصر اطلاعات»، ترجمه علیقلیان، جلد ۱ و ۲، تهران: طرح نو.
- گیبینز، جان آر بوریمر (۱۳۸۱). «سیاست پست مدرنیته»، ترجمه منصور انصاری، تهران: گام نو.
- لسناف، مایکل ایچ (۱۳۷۸). «فلسوفان سیاسی قرن بیستم»، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر کوچک.
- اللهی، شعبان و علی رجب زاده (۱۳۸۲). «سیاست‌های خبره، الگوی هوشمند تصمیم‌گیری»، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- لیوتار، فرانسوا (۱۳۸۰). «وضعیت پست مدرن»، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: گام نو.
- ماتیوز، اریک (۱۳۷۸). «فلسفه فرانسه در قرن بیستم»، ترجمه محسن حکیمی، تهران: ققنوس.
- مجتهدی، کریم (۱۳۸۵). «دکارت و فلسفه او»، تهران: امیرکبیر.
- محمدی، محمود (۱۳۸۵). «نقش فناوری اطلاعات در جنگ‌های آینده»، جلد ۱، تهران: صنایع دفاع، موسسه عرفان.
- مور، ریچارد کی (۱۳۸۳). «دموکراسی و فضای سایبر» ترجمه عبد الرضا زکوت روشندل در فصلنامه رسانه شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۳). «اینترنت و حوزه عمومی» در فصلنامه رسانه شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹.
- وبستر، فرانک (۱۳۸۰). «نظریه‌های جامعه‌ی اطلاعاتی»، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران: قصیده سرا.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۶). «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی»، ترجمه جمال محمدی، تهران: افکار.
- هابرماس، یورگن، (۱۳۸۴). «کنش ارتباطی»، جلد ۱، ترجمه کمال پولادی، تهران: روزنامه ایران.
- های، کالین (۱۳۸۶). «درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی»، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نی.
- هورکهایمر، ماکس و تئودور آدورنو (۱۳۸۳). «دیالکتیک روشنگری»، مراد فرهادپور و امید مهرگان، گام نو.

هینز، استیون (۱۳۸۷). «رویکرد تفکر سیستمی به برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک»، ترجمه رشید اصلانی، تهران: نشر نی
 یعقوبی، نورمحمد (۱۳۸۵). «دولت الکترونیک: رویکرد مدیریتی»، تهران: افکار.

- Emil, T. Jr Bailey (2002). (Come Together? Debunking the Myth of the Internet and the global Village) IN Michael Mazarr, **Information Technology and World Politics**, New York: Palgravi Macmillan.
- Heeks, Richard (1999). **Reinvent Government in the Information Age**, London: R
- Mazarr , Michael (2002). **Information Technology and World Politics**, New York: Palgravi Macmillan.
- McCormick, Glenn (2002). (Stateless Nations: I pledge Allegiance to ...?) IN Michael Mazarr, **Information Technology and World Politics**, New York: Palgravi Macmillan.
- Nash, Kate (2001). (Contested Power: Political sociology in the Information Age) in Frank Webster, **culture and Politics in the Information Age**, London: Rutledge.
- Ohmae, K. (1990). **the Borderless World**, New York: Harpr, Collins,
- Ohmae. K. (2002). **Globalization Region and the Economic conference for Globalization and Policy Reserch** UCIA January.
- O'Neil, Tania Stanley (2002). (Sub national Groups and the Internet : A Irritant to Globalization, Not a threat) IN Michael Mazarr, **Information Technology and World Politics**, New York: Palgravi Macmillan.
- Stevenson, nick (2001). (The Future of public media cultures) in Frank Webster, **culture and Politics in the Information Age**, London: Rutledge.
- Tomlinson, john (2001). (Proximity politics) in Frank Webster, **culture and Politics in the Information Age**, London: Rutledge.
- Webster, Frank (2001). **culture and Politics in the Information Age**, London: Rutledge.